

بسمه تعالی

نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

بزرگداشت بیستمین سالگرد نهضت آزادی ایران

بیست سال از تأسیس نهضت آزادی ایران می‌گذرد.

بیست سال مبارزه بر علیه استبداد شاهنشاهی و استیلاي خارجی.

بیست سال تلاش برای بازسازی فرهنگ اجتماعی بر مبنای تعالیم اسلام.

بیست سال فعالیت برای تربیت مبارزین و مجاهدین، پویندگان صادق و صمیمی راه اسلام.

بیست سال کوشش ...

... و در طول این مدت، در پافشاری برای رسیدن به اهدافمان، توطئه‌های دشمن مستبد مزدور و

حیله‌های خناسان مزور، عقده‌های دیرین حسودان و تیرهای سهمناک قاسطین و ناکثین و مارقین را به

جان خریده و به میثاقمان با خدا و خلق وفادار مانده‌ایم.

... اینک در آستانه بیستمین سالگرد نهضت آزادی ایران فرازهایی از مبارزات و فعالیت‌های بیست

ساله نهضت در مجموعه حاضر تقدیم می‌گردد.

دعوت به شرکت در مراسم بیستمین سالگرد تأسیس

بزرگداشت بیستمین سالگرد نهضت آزادی ایران بر تربت آیت‌الله طالقانی

دعوت نهضت آزادی ایران از مردم برای شرکت در گردهمایی

بهشت زهرا به مناسبت بیستمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران

هموطن

«اقتضای اطاعت از «خدا» مبارزه با بندگی غیر او و شرط سپاس ایزدی، تحصیل آزادی برای به کار بستن آن در طریق «حق» و «عدالت» و «خدمت» است. ما باید منزلت و مسؤولیت خود را در جهان خلقت بشناسیم تا به رستگاری و پیروزی نائل شویم».

«مردم نگران امنیت هستند. خسته از استبداد و اختناق، رنجور از سختی معیشت و شرمسار از ننگ و دزدی و خیانت هیأت حاکمه‌ای که متأسفانه نام ایران و ایرانی را آلوده ساخته است. خواهان سرنوشت بهتر، رهایی از ننگ و نکبت، و استقرار یک حکومت ملی سازنده ایرانی پاک و آباد و آزاد است».

«امر مسلم این است که:

ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم

به اقتضای شرایط حاضر، در این پیچ مهم تاریخ ایران، با استعانت از پروردگار جهان، با امید به مردانگی و همکاری هموطنان، تأسیس نهضت آزادی ایران اعلام می‌گردد».

منتخباتی از بیانیه تأسیس

نهضت آزادی ایران

۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۰

هموطنان عزیز:

بیست سال از تأسیس نهضت آزادی ایران می‌گذرد.

بیست سال مبارزه بر علیه استبداد شاهنشاهی و استیلاي خارجی. بیست سال تلاش برای بازسازی

فرهنگ اجتماعی بر مبنای تعالیم اسلام.

بیست سال فعالیت برای تربیت مبارزین و مجاهدین، پویندگان صادق و صمیمی راه اسلام.

بیست سال کوشش ...

...و در طول این مدت، در پافشاری برای رسیدن به اهدافمان، توطئه‌های دشمن مستبد مزدور، حيله‌های

خناسان مزور، عقده‌های دیرین حسودان و تیرهای سهمناک قاسطین و ناکثین و مارقین را به جان خریده

و به میثاقمان با خدا و خلق وفادار مانده‌ایم.

... اینک، به مناسبت بیستمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران در بهشت زهرا، بر مزار شهدای انقلابمان، و در کنار آرامگاه مجاهد نستوه آیت‌الله طالقانی از بنیانگذاران نهضت آزادی و با یاد سایر عزیزان از دست رفته‌مان دکتر شریعتی و رحیم عطایی و همه شهدای انقلاب، گرد هم می‌آییم تا با شما مردم مسلمان ایران تجدید میثاق کنیم. در این اجتماع آقایان مهندس بازرگان و دکتر رضا صدر و مهندس محمد توسلی در مورد سوابق نهضت و مسایل کنونی و آینده انقلاب سخن خواهند گفت:

زمان: پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۰- ساعت ۳ بعد از ظهر

مکان: بهشت زهرا

نهضت آزادی ایران

۱۸ فروردین ۱۳۶۰

ضمناً مخبرین داخلی و خارجی برای اخذ کارت مخصوص خبرنگاران می‌توانند با در دست داشتن کارت خبرنگاری مجاز و برگ معرفی نامه از مؤسسه مربوطه و دو قطعه عکس روزهای دوشنبه، سه‌شنبه و چهارشنبه هفته جاری از ساعت ۱۶ تا ۱۹ به طبقه همکف ساختمان شماره ۲۳۴، خیابان استاد مطهری مراجعه فرمایند.

جمعی از بنیانگزاران و اعضای نهضت آزادی ایران

بر مزار آیت‌الله طالقانی

گروهی از بنیانگزاران و اعضای نهضت آزادی ایران، به مناسبت بیستمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران، برای ادای احترام به شهدای انقلاب اسلامی و مرحوم آیت‌الله طالقانی، به بهشت زهرا رفتند. به دنبال لغو دعوت نهضت آزادی ایران از مردم برای برگزاری مراسم بیستمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی، که قرار بود در بهشت زهرا و بر تربت آیت‌الله طالقانی بر پا شود، و نهضت آزادی ایران این دعوت را با در نظر گرفتن شرایط کنونی انقلاب و احتمال سوء استفاده و ایجاد تشنج از طرف پاره‌ای افراد، منتفی اعلام کرد، جمعه صبح گروهی از بانوان و آقایان اعضا و جمعی از بنیانگزاران نهضت آزادی ایران، منجمه مهندس مهدی بازرگان، احمد صدر حاج سید جوادی، دکتر رضا صدر، دکتر ابراهیم یزدی، مهندس محمد توسلی، مهندس هاشم صباغیان و عده دیگری از اعضای نهضت آزادی ایران به طور خصوصی در بهشت زهرا حضور یافتند. بنیانگزاران و اعضای نهضت آزادی نخست برای تجلیل از شهدای انقلاب اسلامی به قطعات ۲۴ و ۱۷ بهشت زهرا رفتند و بر مزار شهدای قبل و بعد از پیروزی انقلاب فاتحه خواندند و آنگاه بر مزار شادروان آیت‌الله طالقانی، که از بنیانگزاران نهضت آزادی ایران بود حاضر شدند و با خواندن فاتحه و نثار تاج گل نسبت به مرحوم طالقانی ادای احترام کردند.

بیانیه حضرت آیت‌الله طالقانی

به مناسبت تشکیل نهضت آزادی ایران

به یاری خداوند قهار و توانا

برادران و هموطنان عزیز:

شما به چشم خویشتن وضع نکبت بار این سرزمین تاریخی و این کشور اسلامی را می‌نگرید. می‌بینید که در اثر سلطه غارتگران چگونه فقر اخلاقی و مادی گریبانگیر اکثر مردم گشته و بدبینی و بداندیشی و پراکندگی چگونه بر سراسر این مملکت سایه گسترده است ... کسانی که برای شنیدن هر ندای حقی (کر) و برای دیدن پرتو حقیقی (کور) هستند نه به خود رحم می‌کنند نه به مردم. تا جایی که مملکت را در معرض طوفان حوادث و بر لب پرتگاه مخوفی قرار داده‌اند.

چاره چیست؟ چگونه می‌توان تا سقوط قطعی حیات معنوی و مادی کشور سکوت اختیار کرده و یا فقط به بهانه لابلایگری و سر باز زدن از هر مسؤولیتی در انتظار فرج غیبی نشست؟ باید مردانی که محیط، آلوده و زبونشان نساخته و غیرت و احساس مسؤولیت در آنان نمرده دور هم گرد آیند و راه صحیح و اصیل مبارزه بر علیه فساد و مفسدین جامعه ایرانی را مشخص نمایند. با متانت و مآل‌اندیشی، با خلوص قلب و نیت برای رضای خدا و مردم قدم‌های قطعی و محکم‌تری بردارند تا راه آزادی و آزادمنشی را برای ملت ایران بگشایند. بحمدالله جمعی که طی سال‌های سخت، ثبات قدم و پاکی خود را ابراز داشته در برابر تهدید و محرومیت و زجر و زندان خود را نباخته در تعقیب هدف‌های ملی برای نجات مملکت کوشیده‌اند، در این هنگام خطیر به تشکیل (نهضت آزادی ایران) قیام و اقدام نموده‌اند. اینجانب اگر از کوتاهی در انجام وظیفه خود نزد خدا و اولیاء اسلام و نیاکان بزرگوارم شرمسارم ولی پیوسته در صف مبارزه با فساد و مفسدین باقی مانده و به این سبب دعوت همکاری با بنیان‌گزاران نهضت آزادی را پذیرفتم. چند روز قبل که برای تحکیم عزم و اطمینان روحی از خداوند متعال به وسیله قرآن کریم کسب تکلیف و تفأل کردم آیه ۹۳ و ۹۴ از سوره النساء در برابر چشمانم ظاهر گشت به این مضمون: «یا ایهاالذین آمنوا اذا ضربتم فی سبیل الله فتبینوا و لاتقولوا لمن القی الیکم السلام لست مؤمنا تبتغون عرض الحیوه الدنیا فعندالله مغانم کثیره کذلک کنتم من قبل فمن الله علیکم فتبینوا ان الله کان بما تعملون خبیرا. لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر و المجاهدون فی سبیل الله باموالهم و انفسهم فضل الله المجاهدین علی القاعدین درجه و کلاً وعدالله الحسنی و فضل الله المجاهدین علی القائدین اجراً عظیماً». «ای کسانی که ایمان آورده‌اید وقتی در راه خدا قدم برمی‌دارید چشم بگشایید دوست و دشمن را نیک بشناسید راه و چاه را از هم تشخیص دهید ... کسانی که بدون عذر ساکت نشسته‌اند با کسانی که از مال و جان دریغ نداشته در راه حق و حقیقت مجاهده می‌نمایند یکسان نیستند. خداوند با درجه ممتازی مجاهدین به مال و جان را بر عزلت گزیدگان برتری و بزرگی داده وعده پاداش داده است». مسلماً افراد آلوده سست عنصر و بد سابقه را در این جمعیت راهی نیست ولی از هموطنان مؤمن و غیور خواستارم مراقبت نمایند دست‌های ناپاک و دو دل در آن رخنه نمایند و هر تصمیمی با مشورت انجام پذیرد و احدی را حق تحمیل

نظر شخصی (که نتیجه آن بی‌نظمی و بروز اشکال در نیل به منظوره‌های پاک ملی خواهد بود) نباشد. خداوند متعال به چنین جمع که در طریق خدمت مردم و تحقق آمال ملت می‌کوشند وعده رستگاری فرموده است. امیدوارم برادران دینی و هموطنان عزیز با آمادگی و خلوص نیت به وظایف خطیر خود در این مرحله از تاریخ ایران در کمال امید و همت عمل نمایند.

سید محمود طالقانی

به یاد طالقانی
عطایی
شریعتی
از مؤسسين نهضت آزادی ایران

در میان همان شب دیجور طغیان که استعدادها خفته و پوشیده می شود دل هایی می تپد و ناله هایی از رنج و آرزو و امید و حرمان بلند است . . . از ناله های نهانی و آهسته، فریاد و آتش برآید و از قطرات خونی که در راه خیر و حق ریخته شده نهرهای حیات جاری شود و از اشک هایی که بر دامن زمین ریخته، شکوفه های زندگی بر دمد، چنانکه از درون ظلمت، فجر رخ می نماید و در پی سوز زمستان نسیم بهار می وزد و پس از خفتگی و پژمردگی بوته ها و سبزه ها شکوفان می شود.

آیت الله طالقانی - تفسیر سوره فجر

به یاد معلم انقلاب

پدر طالقانی

(۱۲۸۲-۱۳۵۸)

طالقانی مبارز نستوه با یاران شجاع و پرتوان خود نهضت آزادی ایران را بنیان گذاشتند و اینک در بیستمین سال نهضت یاد آن رادمرد بزرگ را گرامی می‌داریم و ضمن فهرستی از مبارزات بی‌امان او عین‌نامه مهندس بازرگان را به علما و مراجع عظام درباره محکومیت مجدد ایشان از نظر می‌گذرانیم که یادآور زندگی پررنج و فشار آن مجاهد کبیر باشد که در تمام عمر خود دمی از مبارزه با استبداد پهلوی و استعمار شرق و غرب نیاسوده و برای ایران و ایرانی افتخار آفرید، اینک شرح مختصری از مجاهدات این مجاهد راستین:

سال ۱۳۱۸ - مبارزه با دیکتاتوری رضاخان و گرفتاری و زندان به اتهام توهین به مقامات عالیه. شهریور ۱۳۲۰ به بعد - شروع به تفسیر قرآن و آموزش جوانان و شیفتگان حقیقت در داخل و خارج زندان. سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۲ - شرکت در مبارزات ملت ایران علیه استعمار انگلیس در کنار دکتر محمد مصدق رهبر برگزیده ملت.

سال ۱۳۳۲ - تأسیس «نهضت مقاومت ملی» همراه با سایر مبارزین راستین و دستگیری و زندان به خاطر ارتباط با فداییان اسلام.

سال ۱۳۴۰ - تأسیس «نهضت آزادی ایران» به اتفاق برخی از یاران نهضت از جمله آقایان مهندس بازرگان و دکتر سبحانی با ایدئولوژی اسلامی و هدف مبارزه مستقیم علیه استبداد و مظهر مزدور استعمار آن. سال ۱۳۴۱ - (اول بهمن قبل از فراندوم کدایی) دستگیری و زندان همراه سایر سران نهضت آزادی و جبهه ملی و دانشجویان.

سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۳ - محکومیت ۱۰ ساله در بیدادگاه شاه.

سال ۱۳۵۰ - (در پایان جشن‌های ۲۵۰۰ ساله دیکتاتوری) تبعید به مدت ۳ سال در زابل که بعداً به ۱۸ ماه در بافت کرمان تبدیل شد.

سال ۱۳۵۴ - به اتهام اقدام علیه امنیت کشور و حمایت از سازمان مجاهدین خلق دستگیر و پس از ۲ سال تحمل انواع ناراحتی‌ها و شکنجه‌ها به ۱۰ سال زندان محکوم شد.

سال ۱۳۵۷ - آزادی از زندان بر اثر مبارزات پیگیر ملت ایران و فشار افکار عمومی جهان.

۱۳۵۷ - عضو و رییس شورای انقلاب اسلامی تا شهریور ۱۳۵۸.

۱۳۵۸ - سفر به کردستان برای حل مسالمت‌آمیز تصفیه کردستان.

- انتخاب از طرف مردم تهران برای مجلس خبرگان.

- برگزاری نماز وحدت‌آفرین جمعه در دانشگاه تهران با شرکت میلیون‌ها نفر از مردم.

- ۱۹ شهریور ۱۳۵۸ - اجابت دعوت حق - شتاب به سوی لقاء الله.

یادی از رحیم عطایی

تولد ۱۲۹۸/۱۲/۲۸

درگذشت ۵۶۱۳/۵/۹

رحیم عطایی یکی از دلاور مردانی بود که نقش عمده و تعیین کننده‌ای در یکی از سرفصل‌های تاریخی جنبش ملی ما داشت و در سال‌های خونین و خفقان بعد از کودتای ننگین و خائنانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در شرایطی که کلیه مبارزین و احزاب چپ و راست سرکوب و خاموش شده بودند شجاعانه با مبارزین راستین دیگری جمعیت زیرزمینی «نهضت مقاومت ملی» را بنیان گذاشت و به عنوان حلقه‌ای در زنجیره مبارزه حرکت را استمرار بخشید و در این راه تحمل اسارت و محرومیت نمود و با ایمان و عمل خود پرچم استقلال را سرسختانه برافراشته نگه داشت.

نهضت مقاومت ملی در سال ۱۳۳۹ با ادغام در نهضت آزادی ایران رسالت خود را به شکل تازه‌ای آغاز کرد و بار امانت را با همکاری پیشگامان دیگر به دوش کشید.

رحیم عطایی در نهضت آزادی ایران نیز به عنوان مسئول کادر سیاسی، دانش سیاسی و بینش دقیق از مسایل سیاسی روز را به جوانان تعلیم می‌داد و شاگردان بسیاری تربیت کرد. از جمله شاگردان صادق او شهدای بزرگ قرن ما چون محمد حنیف نژادها، سعید محسن‌ها و بدیع‌زادگان‌ها و ناصر صادق‌ها بودند که بینش سیاسی و راه تحلیل درست وقایع را از او آموخته بودند و همان‌ها بودند که بار امانت را از امثال عطایی‌ها تحویل گرفتند و به منزلگاه رفیعی رساندند.

بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، رحیم عطایی به نهضت مقاومت ملی که در شهریور همان سال به دست رادمان مجاهدی چون علامه طالقانی، مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، مرحوم نخشب و ... بوجود آمده بود پیوست و به زودی به عضویت شورای مرکزی و کمیته اجرایی آن درآمد و مسئول کمیته سیاسی نهضت شد. رحیم در این دوران در تعلیم سیاسی بسیاری از کادرهای جوان نهضت نقش عمده را داشته است.

پس از ۲۸ مرداد، رحیم عطایی به جرم پشتیبانی از دکتر مصدق و فعالیت‌های میهنی از سمت اداری معزول و منتظر خدمت می‌گردد.

رحیم عطایی در سال ۱۳۳۶، در زمانی که نهضت مقاومت ملی مورد یورش و حمله دشمن قرار گرفت، همراه با مهندس بازرگان، سبحانی، طالقانی، زنجانی، شیبانی، عزت سبحانی، شریعتی (محمد تقی) و شهید جاوید علی شریعتی و جمع کثیر دیگری به زندان افتاد. مدت اسارت رحیم در این دوره ۸ ماه بود.

در جریان سال‌های ۳۹ و ۴۰ رحیم عطایی، همراه با سایر همزمانش به «تأسیس جبهه ملی دوم» همت می‌گمارد. به طوری که بالاخره جبهه ملی در ۳۰ تیر ماه ۱۳۳۹ موجودیت خود را اعلام می‌کند. اما عناصر ضعیف کج سلیقه و برخی هم بیمارگونه و برخی هم مشکوک و وابسته به محافل و مقاماتی که رشد و قدرت جبهه ملی به نفع آنان نبود، دست به دست هم داده و مانع شدند که جبهه ملی بتواند رسالت و نقش

یادی از معلم شهید دکتر شریعتی

آذر ۱۳۱۲

خرداد ۱۳۵۶

در دوم آذر ماه ۱۳۱۲ در دهکده مزینان، از توابع سبزوار در کنار کویر بدینا آمد. اولین معلمش پدرش محمد تقی شریعتی بود، وی از بنیانگزاران جنبش نوین اسلامی است که در مکتب تربیتی عملی خود صدها «دانشجو» و دهها مجاهد تربیت کرده است. او از علمای خراسان و اولین مربی علی بود. شریعتی خود در این باره می‌گوید:

«پدرم، نخستین سازنده ابعاد نخستین روحم، کسی که برای اولین بار، هم فکر کردن را به من آموخت و هم فن انسان بودن را، طعم آزادی، شرف، پاکدامنی، مناعت، عفت روح و استواری و ایمان و استقلال دل را، بی‌درنگ، پس از اینکه مادر از شیرم گرفت، به کام ریخت. نخستین بار مرا با کتابهای رفیق کرد. من از کودکی و از سال‌های نخستین دبستان با رفقای پدرم، کتاب‌های آشنا شدم و مأنوس. من در کتابخانه او که همه زندگی و خانواده اوست بزرگ شدم و پروردم». (کویر - صفحه ۸۸)

شریعتی در محیط فقر، و در تماس با ستم‌دیدگان و استثمارشدگان، و در شرایط سخت زندگی بزرگ شد، و زجر و ستم نظام فاسد را لمس می‌کرد، و در دردها و غم‌ها و حرمان‌های فلک زده‌ها و محرومین غوطه می‌خورد، و تا اعماق استخوان‌هایش از ظلم و ستم می‌سوخت، و از صاحبان زر و زور نفرت داشت. در دبیرستان بود که با جنبش نوین اسلامی از طریق «کانون نشر حقایق اسلامی» که مؤسس آن استاد محمدتقی شریعتی بود، آشنا شد و به زودی جزو فعالین و بلکه فعال‌ترین اعضای آن درآمد. فعالیت وی در کانون، او را با جوانان و دانشجویان زیادی، که خود جزو آنان بود آشنا ساخت و از همان زمان نوشتن مقالات علمی و فلسفی را آغاز کرد. از طریق فعالیت در کانون با افکار نهضت‌خواه‌پرستان سوسیالیست آشنا شد و سخت بدان‌ها گرایش پیدا کرد.

همین گروه بود که بعدها با مهندس بازرگان و یارانش در سال‌های قبل از ۲۸ مرداد تماس گرفتند (سال ۱۳۳۱) و طرح تأسیس یک حزب بزرگ علنی اسلامی را پیشنهاد دادند.

دوران دانشکده علی مصادف با اوج مبارزات میهنی ملت ایران به رهبری دکتر مصدق بود. دکتر مصدق مظهر مبارزه و مقاومت یک ملت محروم و زجر دیده در مقابل همه استعمارگران و استثمارگران عالم بود.

صرف‌نظر از همه این مشکلات در فرانسه علی میدان‌های جدیدی از فعالیت یافته بود. روح آزادی اندیشه آزاد او که حرکت را عین بقاء و مبارزه و جهاد را عین حیات می‌دانست، سخت به کار و فعالیت مشغول شده بود. او که تعهد اسلامی‌اش را تنها در چارچوب مبارزات اسلامی در ایران نمی‌دید و روح جهانی و مکتب عالی اسلام را عمیقاً درک کرده بود، به زودی خود را با مردم الجزایر و جبهه آزادیبخش آن در رابطه یافت. این رابطه به صورت همکاری وی با جبهه آزادیبخش در سطح «المجاهد» ارگان جبهه

تاریخی خود را بازی کند. به طوری که در شهریور ۱۳۳۹ جمعی از کادرهای نهضت مقاومت ملی، به دور هم گرد آمدند و بعد از تحلیل و بررسی اوضاع و احوال آن زمان نظریات خود را به صورت نامه سرگشاده‌ای برای «شورای جبهه ملی ایران» فرستادند. این نامه که بسیار مفصل می‌باشد تحلیل روشن و عینی از شرایط آن زمان داده است و نیازهای مشخصی را بیان می‌کند و سپس راه‌های مناسب ارائه می‌دهد. این نامه به امضای سه نفر منجمله رحیم عطایی برای شورای جبهه فرستاده می‌شود. ابتکار تهیه این نامه و تحلیل مطالب عمدتاً از رحیم عطایی بوده است. انتشار این نامه هر قدر موجب ناراحتی برخی از عناصر عضو شورای جبهه می‌گردد، با استقبال بسیار خوب جوانان مبارز در همه جا روبرو می‌شود.

در اردیبهشت ۱۳۴۰ رحیم عطایی همراه با سایر فعالین و رهبران نهضت مقاومت ملی، تأسیس و موجودیت نهضت آزادی ایران را اعلام می‌نماید. در وقایع قبل از ۱۵ خرداد ۴۲، رحیم عطایی را نظیر سایر فعالین و سران نهضت دستگیر می‌سازند، اما در زندان ناراحتی قلبی رحیم که مدت‌ها او را زجر می‌داده است شدت پیدا می‌کند به طوری که در تمامی مدت زندان وی در بیمارستان بستری بوده است. و بالاخره به خاطر بیماری و کسالت قلبی‌اش او را آزاد می‌سازند. پس از قیام تاریخی ۱۲ محرم، ۱۵ خرداد، و قتل عام هزاران مردم بی‌گناه و بی‌سلاح ما، ناراحتی‌های قلبی رحیم شدت می‌یابد و معالجات مکرر سودی نمی‌دهد به طوری که بالاخره در سال ۱۳۵۰، حمله قلبی شدیدی به وی دست می‌دهد. و به دستور پزشکان از شرکت در فعالیت‌های هیجان‌آور سیاسی محروم می‌گردد و به تدریج دچار ضعف و تحلیل قوای بدنی شده با این حال تا آنجا که می‌توانست وظیفه خود را انجام می‌داد. معالجات مکرر در داخل ایران و خارج سودی نبخشید بالاخره پس از یک عمل جراحی در راه بازگشت به ایران در شهر کانزاس سیتی - ایالت کانزاس به رحمت ایزدی پیوست.

از رحیم عطایی آثار زیادی چه در کادر «نهضت مقاومت ملی» و چه در کادر «نهضت آزادی ایران» منتشر گردیده است. و همچنین آثار منتشر نشده‌ای از آن مرحوم در دست است که نماینده بینش سیاسی و جهان‌بینی او می‌باشد.

بود. شریعتی قلم و استعداد خود را در خدمت رهایی مردم الجزایر از استعمار فرانسه قرار داد. به زودی وی با نویسندگان و متفکرینی چون فرانس فانون و عمار اوزیغان، در جنبش الجزایر آشنا شد و با فانون دوستی تازه پیدا کرد.

همکاری شریعتی با جبهه آزادیبخش، سر و کارش را به پلیس فرانسه کشاند و بالاخره یک بار شریعتی، وقتی سر قرار و میعاد (در پاریس) که لو رفته بود، حاضر می‌شود، مورد حمله شدید و کشنده اوباش و اراذل وابسته به پلیس فرانسه قرار می‌گیرد و به علت ضربات وارده بلافاصله بیهوش می‌شود و وقتی چشم باز می‌کند خود را با دست و پاهای شکسته در بیمارستان می‌یابد. شریعتی سه هفته در بیمارستان بود تا بهبودی نسبی یافته و مرخص می‌شود.

شریعتی در طی اقامت‌اش در فرانسه، با نویسندگان بزرگی همچون پروفیسور لویی ماسینیون (استادش)، شوارتز، سارتر، هانری لوموز، کوکتو آشنا می‌شود و فلسفه غربی و علم جامعه‌شناسی می‌آموزد، و از بهترین شاگردان آن‌ها به شمار می‌آید و در تحقیقات علمی بعضی از آن‌ها شرکت می‌کند و از نظر علمی و تحقیقی بین دانشجویان و استادان شهرتی کسب می‌کند. او با جامعه‌شناس معروف، گورویچ که افکار پیچیده‌اش همه را به فغان درآورده بود آشنایی دقیق و کامل داشت و همه او را گورویچ شناس می‌نامیدند، و از مریدان و خواص گورویچ و شیفتگان فکری او به حساب می‌آوردند، و برای رفع مشکلات درسی خود در درس این استاد، به علی شریعتی مراجعه می‌کردند.

مصاحبه با سخنگوی نهضت آزادی ایران

نهضت آزادی ایران و دولت موقت

س - آیا دولت موقت یک دولت نهضتی بود؟ و اصولاً نقش نهضت آزادی ایران در دولت موقت چه بوده است؟

ج - نهضت آزادی ایران، به عنوان یک سازمان نقشی در دولت موقت نداشته است و دولت موقت یک دولت نهضتی نبوده است.

س - ولی می‌گویند که اکثریت اعضای دولت موقت عضو نهضت آزادی ایران بوده‌اند؟

ج - خیر چنین نیست. این که عده‌ای از اعضای دولت موقت عضو نهضت آزادی بوده‌اند درست است. اما آن‌ها در اقلیت بوده‌اند نه اکثریت. به علاوه آن‌ها به صفت عضو نهضت در دولت شرکت نداشتند و در تمامی مدتی که در دولت به انجام وظایف مشغول بودند، هیچگونه فعالیت گروهی و نهضتی نداشتند و در برابر نهضت آزادی تعهدی تشکیلاتی هم نداشتند.

اصولاً شما باید بدانید وقتی امام نخست‌وزیری دولت موقت را به آقای مهندس بازرگان پیشنهاد و تکلیف کردند و ایشان هم آن را پذیرفتند، چند شرط قائل شدند. شرط اول این بود که دولت صبغه گروهی و حزبی نداشته باشد. یعنی وزرا تنها از نهضت آزادی نباشند. بلکه از همه گروه‌ها و دستجات موجه ملی و اسلامی باشند. توصیه امام، به عبارت دیگر، یک دولت ائتلافی بود نه یک دولت یک دست و نهضتی. شرط دوم آن بود که کسانی که به عضویت در دولت (و شورای انقلاب) دعوت می‌شوند در مدت اشتغال به آن سمت‌ها، حق فعالیت حزبی و گروهی را ندارند. اعضای نهضت این شرط را پذیرفتند و شاید تنها گروهی بودند که در مدت اشتغال به کار در دولت موقت هیچگونه فعالیت حزبی نداشتند و نمودند. بنابراین نه دولت موقت دولتی نهضتی بود و نه اعضای نهضت شاغل در دولت موقت در آن دوره مسؤولیت حزبی داشتند و اصولاً شدت کار و گرفتاری‌ها در آن زمان آنقدر بود که دیگر وقت و فرصتی برای کارهای حزبی و گروهی برای کسی باقی نمی‌گذاشت.

س - شما گفتید که در دولت موقت اعضای نهضت آزادی حتی اکثریت را هم نداشتند. اما گفته شده است که: «نهضتی‌ها انحصارطلب هستند. حرف‌های امروزشان با مواضع دیروزشان خیلی فرق دارد و دروغ می‌گویند!» به نهضتی‌ها ایراد گرفته‌اند که: «دولت موقت از اعضا، نهضت آزادی بچه کوچک‌های غیرمکلف خود را سرکار می‌گذاشتند؟» و یا این که: «نهضت آزادی‌ها هر چه استاندار و وکیل و وزیر داشتند از خود می‌گماردند».

ج - ما نهضتی‌ها قرار نداریم به این گونه حرف‌ها و دروغ‌ها جواب بدهیم و جز اظهار تأسف در مورد گویندگان آن چیزی بروز نمی‌دهیم. مردم باید قضاوت کنند که چه کسانی دائم موضع عوض می‌کرده‌اند. قبل از انقلاب چه می‌گفتند حالا چه می‌کنند؟ نهضتی‌ها معروفند به صداقت. بهتر است از گویندگان این کلمات خواست که نهضت آزادی کدام بچه غیرمکلف را سرکار گذاشته بود! مشخصات آن را بدهند با هو و جنجال که نمی‌شود مردم را فریب داد! به جای این نوع شعارهای عامیانه بهتر است اسامی وزرا و استانداران

زمان دولت موقت را بنویسید و ببینید که چند تای آن‌ها نهضتی بوده‌اند. بعد لیست وزرا و استانداران کنونی را هم بنویسید و وابستگی‌های سیاسی آن‌ها را معین کنید. نتیجه خود به شما نشان می‌دهد انحصارگران چه کسانی هستند. یکی از ایرادات خود آقایان به دولت موقت این بود که هماهنگ و یک دست نبوده است و از افتخارات دولت کنونی را یک دست بودن آن می‌دانند! چگونه است که بنا به ادعای این آقایان در زمان دولت موقت هر چه وزیر و وکیل و استاندار بود همه از نهضت آزادی بودند ولی معذالک باز یک دست نبود! معلوم است که این ادعاهای اینان چقدر به دور از حقیقت است.

ضمناً می‌دانید که در زمان دولت موقت هنوز مجلسی در کار نبود تا وکیلی در کار باشد تا نهضت هر چه وکیل است از خودش بگذارد ضمناً برای این که بدانید نهضتی‌ها انحصارطلب و خود محوربین نیستند لیست نامزدهای انتخاباتی گروه همنام در تهران را با لیست «ائتلاف بزرگ» مقایسه کنید.

نهضت آزادی و مبارزه با شاه

س - حزب توده لبه تیز حمله خود را متوجه نهضت آزادی ایران نموده است. در گزارش هیأت سیاسی به پلنوم (نامه مردم ارگان حزب توده - ۲۲ فروردین ۶۰) حزب توده، نهضت آزادی را جزو جناح «هواداران سلطنت مشروطه و رژیم سلطنتی مشروطه» قلمداد نموده است که نمی‌خواستند شاه برود! نظر نهضت آزادی در این مورد چیست؟

ج - رهبری حزب توده ایران به غوغا سالاری و ایجاد جنجال و هیاهو و تهمت و افترا عادت دارد. گویی بودنش ملازمه دارد با جوسازی و اتخاذ روش‌های تخریبی و این هم تازگی ندارد. همه ما به یاد داریم که حزب توده در حالی که در پناه تانک‌های روسی تظاهرات به راه انداخته بود و خواستار واگذاری قرارداد نفت شمال به روس‌ها و نفت کرمان و بلوچستان به آمریکایی‌ها بود تا «موازنه» برقرار شود با تز ملی شدن نفت مخالفت کرد. زشت‌ترین و بی‌اساس‌ترین تهمت‌ها را به مصدق وارد می‌ساخت. او را گاهی منتسب به فراماسون و گاهی آمریکایی معرفی می‌کرد. دانشجویان مسلمان را پان اسلام‌یست‌هایی که از سفارت آمریکا کمک دریافت می‌کنند قلمداد می‌نمود. هر کس را که با خودشان موافق نمی‌دیدند لاجرم برچسبی می‌زدند! اما نتیجه‌اش چه شد؟ بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ و بعد از آن که هزاران جوان پاک باخته را به زندان‌ها روانه ساختند و یا به مسلخ کودتاگران فرستادند تازه چه کردند؟ تنها به اشتباه و گناهان خود اعتراف نمودند!! آیا کافی است!

رهبران حزب توده حتی در آن روزهای سیاه خفقان بعد از کودتای ۲۸ مرداد نیز دست از این کجروی‌ها برنداشتند و با وجودی که خیلی اصرار داشتند که با نهضت مقاومت ملی، همکاری کنند و اعلامیه‌های مشترک بدهند، اما در حالی که مصدق در سلطنت‌آباد محاکمه می‌شد حاضر نشدند شعار بازگشت حکومت دکتر مصدق را بپذیرند و عذر آوردند که حزب توده حزب طبقه کارگر است، مصدق نماینده بورژوازی لیبرال و حزب طبقه کارگر نمی‌تواند شعار بازگشت حاکمیت بورژوازی لیبرال (ملی) را بدهد؛ و اصل همکاری را بر هم زدند؟ بعدها وقتی کودتاگران پایه‌های قدرت خود را محکم کردند و حضرات ستم‌ها را پر زور دیدند، برخی از آن رهبران توبه‌نامه برای شاه فرستادند و عتبه را بوسیدند و به وساطت ابراهیم حکیم‌الملک معروف از مرگ نجات یافتند و برخی هم فرار را بر قرار ترجیح دادند و برخی از یاران پا برجای خود را که حاضر به خروج از صحنه نبرد نشده بودند نظیر خسرو روزبه یکه و تنها رها ساختند

و امروز هم آن‌ها با انبانی از ادعا به ایران برگشته‌اند و چه پر مدعا برگشته‌اند تصور نکنید این قبیل تهمت‌ها را فقط نثار نهضت آزادی می‌کنند. رهبران حزب توده حتی به همسنگران خود در حزب نیز همین برچسب‌ها را می‌زنند. حتی به خسرو روزبه. شما لابد نامه سرگشاده دکتر فریدون کشاورز عضو برجسته کمیته مرکزی حزب توده ایران را خوانده‌اید. دکتر کشاورز که خود از رهبران حزب بوده است درباره علل استعفای خود از حزب می‌نویسد:

«در ماه مه ۱۹۵۸ در مهاجرت به مسکو، یعنی بیست سال پیش روز بعد از اعدام رفیق ما خسرو روزبه (۱۱ ماه مه ۱۹۵۸) من از کمیته مرکزی حزب توده ایران استعفا دادم و نوشتم که من از عضویت در این کمیته ننگ دارم. یکی از عللی که مرا به این استعفا وادار کرد و در حقیقت قطره‌ای که کاسه صبرم را لبریز کرد توهمین و تهمت‌هایی بود که کام بخش و کیانوری در راهروهای پلنوم پنج حزب. هنگامی که ما خبر توقیف رفیق روزبه را دریافت کردیم نسبت به روزبه ابراز داشتند.»

اما از تهمت‌های حزب توده که بگذریم آیا نهضت آزادی ایران یک سازمان سلطنت طلب بوده است؟ هرگز، نهضت آزادی ایران یک سازمان سلطنت طلب نبوده است؟ هرگز، نهضت آزادی ایران یک سازمان تازه تشکیل یافته نیست که بعد از ۲۲ بهمن انقلابی یا مسلمان شده باشد. نهضت آزادی ایران به لحاظ سازمانی یک سابقه بیست ساله دارد (اردیبهشت ۱۳۴۰) که در همین ادعانامه دادستان، در بخش «گردش کار» پرونده فعالیت‌های نهضت آزادی ایران را از زمان تأسیس نهضت مقاومت ملی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مورد بررسی قرار داده است و می‌نویسد:

«ولی بعد از مدتی مجدداً جمعی از آنان به طور مخفیانه گرد هم جمع شده و دست به تشکیل سازمانی به نام نهضت مقاومت ملی زدند ... و از جمله افرادی که در نهضت مقاومت ملی فعالیت شدید و حاد داشتند جناحی بودند که به وسیله آقای مهندس بازرگان اداره می‌گردید.»

س - آیا از اسناد نهضت مقاومت چیزی در دسترس هست؟ و اگر هست آیا می‌توانید نمونه‌هایی در این مورد ذکر کنید؟

ج - متأسفانه اسناد نهضت مقاومت ملی به طور کامل جمع‌آوری نشده است. اما ما مشغول جمع‌آوری آن‌ها هستیم. بعضی از اوراق و نشریات جمع‌آوری شده‌اند، که من از آن‌ها نمونه‌هایی را مثال می‌زنم. در نشریه «مصدق - شماره ۵ مورخه چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۳۳» در اعلامیه کمیته مرکزی نهضت مقاومت ملی مورخه ۳۳/۲/۱۸ می‌خوانیم که:

«ملت ایران طی نه ماه مبارزه با تحمل حبس و زجر و شکنجه و انواع محرومیت‌ها نه تنها توانسته است نقش دشمن را خنثی سازد بلکه کوس رسوایی و بی‌آبرویی این دولت مزدور و حامیان خیانت‌پیشه آن را در هر کوی و بازار دنیا به صدا در آورد. به طوری که امروز دولت شاه، زاهدی، در بطلان عملیات ۹ ماهه خود جز شکست و رسوایی نزد داخلی و خارجی، تنفر و انزجار شدید ملت ایران چیز دیگری مشاهده نمی‌کند.»

قبل از آن هم به عنوان نهضت مقاومت ملی در سال‌های ۳۲ تا ۴۰ علیه استبداد محمد رضا مبارزه می‌کرده است و از طرفی به لحاظ حرکت اسلامی نیز یک سابقه تقریباً چهل ساله دارد. یعنی سابقه مبارزات و فعالیت‌های این جریان، مؤسسين و رهبران نهضت آزادی ایران، نظیر بازرگان و سحابی و مرحوم طالقانی و شریعتی به سال‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ برمی‌گردد.

روش‌ها و عملکردها و افکار این افراد در معرض دید و قضاوت همگانی قرار دارد. چنین اتهامی به این افراد نمی‌چسبد. به علاوه برای بطلان این نظر کافی است که به اسناد نهضت مقاومت ملی ایران و نهضت آزادی ایران رجوع شود. این اسناد در دسترس هستند. اسناد محاکمات سران و فعالین نهضت آزادی در دادگاه عشرت‌آباد وجود دارد.

سرهنگ فخر مدرس، دادستان دادگاه نظامی عشرت‌آباد در ادعانامه خود علیه سران و مؤسسين و فعالين نهضت آزادی ایران نوشت:

«نوع ... و انطباق با قانون عمل سه نفر متهمین شماره ۱ و ۲ و ۳ جزو مؤسسين جمعیت نهضت آزادی می‌باشد و این جمعیت مرام و رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران می‌باشد و هم چنین عمل متهمین ردیف‌های ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ از جهت عضویت مزبور جنایی منطبق با بند یک از ماده یک قانون مقدمین علیه امنیت و استقلال مملکت و از جهت اهانت‌های مکرر و گستاخانه نسبت به مقام شامخ سلطنت از درجه جنحه و منطبق با ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی می‌باشد و صدور حکم مجازات آن‌ها با رعایت ماده ۲ الحاقیه به اصول محاکمات جزایی مورد تقاضا است و تاریخ و محل وقوع جرم تهران، ماه اردیبهشت ۱۳۴۰ از تاریخ تشکیل جمعیت نهضت آزادی ضمناً پرونده به نام افرادی که پرونده آنان تا کنون ارجاع نشده یا دستگیر نشده‌اند مفتوح است.»

در حالی که برخی از دشمنان کنونی نهضت آزادی، سرلشکر زاهدی کودتاچی را «سردار ملی» و کودتا را «قیام ملی» می‌خواندند و برخی از مقامات تلگرافات تبریک جهت شاه و زاهدی ارسال داشتند، کمیته مرکزی نهضت مقاومت ملی در ۳۳/۲/۱۸ نوشت:

«نهضت مقاومت ملی سرلشکر بازنشسته فضل‌الله زاهدی را خائن می‌داند که به دستور بیگانگان و دستیاری دربار و عده‌ای از دشمنان شناخته شده ملت مأمور از بین بردن نهضت مقدس ملی و هموار ساختن راه سلطه مجدد بیگانگان بر سیاست و اقتصاد ایران می‌باشد.»

این چنین موضع‌گیری‌هایی نسبت به دربار و شاه و حامیان خارجی‌اش در تمام نشریات نهضت مقاومت ملی و سپس در نشریات نهضت آزادی دیده می‌شود.

لابد به‌زعم رهبری حزب توده بی‌دادگاه‌های نظامی شاه برادران نهضت آزادی ایران را به خاطر «طرفداری از سلطنت» محاکمه کرد و به حبس‌های طولی‌المدت محکوم ساخت!!

س - پس چرا حزب توده این حمله را به نهضت می‌کند؟

ج - رهبری حزب توده، برای سرپوش گذاشتن به بی‌عملی خودشان این تهمت‌ها را می‌زنند، وگرنه شما از رهبری حزب توده بپرسید که شما خودتان علیه شاه چکار کردید؟

در زمان رژیم گذشته در طی مدت ۲۵ سال، یعنی از سال کودتای ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ که به برکت پیروزی انقلاب اسلامی ایران توانستید به ایران برگردید، شاه و خاندان کثیفش چندین بار به روسیه و کشورهای اروپای شرقی سفر کردند. شما رهبران حزب توده چه عکس‌العملی نشان دادید؟ ملت ایران و تمام دنیا می‌داند که شاه هر بار که به کشورهای غربی اروپا و آمریکا سفر می‌کرد، با طوفانی از خشم و غضب و اعتراضات دانشجویان و جوانان ایرانی روبرو می‌شد. در بسیاری از این تظاهرات و راهپیمایی‌ها، برادران نهضتی در تبعید ما فعالانه شرکت داشته‌اند، صفحات روزنامه پیام مجاهد، ارگان نهضت آزادی ایران (خارج از کشور) این موضع‌گیری‌ها را دقیقاً نشان می‌دهد اما آیا یک بار هم شد که به عنوان نمونه وقتی

که شاه یا خواهرش به مسکو یا لهستان یا کشور دیگری در اروپای شرقی رفته باشد، صدای اعتراضی از آن جانب به گوش کسی برسد؟

آیا مگر یادمان رفته است که در آلمان شرقی، وقتی عده‌ای از دانشجویان ایرانی ما به عنوان اعتراض به کشتارهای شاه در ایران سفارت ایران را اشغال کردند، نیروهای انتظامی آلمان شرقی با آنها چه رفتاری را نمودند؟ و حزب توده در موضعگیری خود این عمل دانشجویان را محکوم ساخت!

نهضت آزادی ایران به دلیل اعتقاد به جهان‌بینی توحیدی و اسلام اصیل هرگز نمی‌توانسته است به رژیم سلطنتی معتقد باشد و معتقد هم نبوده است، و در هر مرحله‌ای در حدود امکانات علیه آن نظام و در جهت سرنگونی رژیم شاه مبارزه و فعالیت داشته است.

س - در یک جایی خواندم که آقای مهندس بازرگان در زندان گفته بودند که از موضع‌گیری‌های ضد شاهی خود پشیمان بودند.

ج - اولاً این را بهتر است از خود آقای مهندس بازرگان سؤال کنید. ثانیاً دروغ بودن این سخن واضح است. گویندگان این حرف‌ها خودشان بعد از چند هفته از زندان آزاد شدند اما مهندس بازرگان همراه با سایر برادران نهضتی محاکمه شدند و به حبس‌های طولی‌المدت محکوم شدند. مدافعات مهندس بازرگان در دادگاه عشرت‌آباد در ۳۵۰ صفحه چاپ شده است و در دسترس می‌باشد مراجعه به آن کتاب بی پایه بودن این سخن را کاملاً نشان می‌دهد.

س - گفته شده است که رهبران نهضت آزادی ایران پیوسته نسبت به انگلیس و شوروی حساسیت داشتند و استدلال می‌کردند که ایران در این منطقه نمی‌تواند روی پای خود بایستد و نیاز به دوستی با یک قدرت خارجی است و چون انگلیس ضعیف است و روسیه ملحد و کمونیست، بنابراین نبایستی به آمریکا هجوم برد. همین اشخاص می‌گویند که در سال ۱۳۵۴ کوشش‌هایی (از جانب رهبری نهضت آزادی) صورت می‌گرفت مبنی بر این که امام مسأله نفت و آمریکا را در سخنان و اعلامیه‌های خود مطرح نکنند و یا این که در سال ۱۳۵۶ نهضت آزادی، شاه و آمریکا را فراموش کرده بودند و داشتند به انتخابات آزاد راضی می‌شدند.

ج - سیاست نهضت آزادی در مورد همه این مسایل روشن بوده است و می‌باشد. سه مسأله اساسی آمریکا - نفت - شاه، از جمله مسایلی هستند که از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ به بعد در نهضت مقاومت ملی و سپس نهضت آزادی، مطرح بوده است و موضع‌گیری مشخص و روشن داشته است و یکی از وجوه اختلاف نهضت آزادی با برخی از جناح‌های ملی در مورد همین مسایل بوده است. در پاسخ به ایرادات حزب توده نمونه‌هایی از نهضت مقاومت ذکر شد حالا به چند نمونه از بیانیه‌های نهضت آزادی اشاره می‌نمایم.

بیانیه نهضت آزادی در خرداد ۱۳۴۲

«مواطنان، آتش و خون همه جا را فرا گرفته، شاه در معرض فنا و نابودی است رژیم پوسیده او دیگر نمی‌تواند در برابر اراده شما قوام و دوام بگیرد.

او رفتنی است. هشیار باشید چون ممکن است استعمار وقتی کار را به این صورت ببیند با یک کودتا رژیم شاه را برانداخته برای این که مردم را بفریبد.»

در جای دیگر از همین اعلامیه آمده است:

«هموطنان عزیز، به خانواده‌های شهدا و زندانیان کمک کنید. شما می‌دانید که در وطن ما نان‌آور خانواده مرد است اما صدها نان‌آور خانواده به خاطر سعادت شما و استقلال و آزادی ایران عزیز قطعه‌قطعه شدند».

در مبارزه با آمریکا و مسئله نفت نیز موضع‌گیری‌های قاطع و صریح وجود داشته است. به عنوان نمونه بخشی از بیانیه کمیته نهضت مقاومت ملی که در حدود دی ماه ۳۲ بعد از کشتار دانشگاه صادر شده است را نقل می‌کنیم:

بیانیه شماره ۴ کمیته اصناف طرفداران مصدق وابسته به نهضت مقاومت ملی

«... روزی که زاهدی مزدور با پول سفارت آمریکا و دستگیری تنی چند از افسران دزد و رانده‌شده از محیط ارتش و گروهی از اراندل و اوباش و فواحش کرسی نخست‌وزیری را غصب کرد ما می‌دانستیم که این سرسپرده مزدور را بیگانگان برای آن به حکومت رسانیدند که به دست او استقلال و آزادی ایران را به سود مقاصد جنگجویانه و مطامع خود از بین ببرند. هنوز چهار ماه از استقرار این حکومت ضدملی نگذشته بود که آثار نکبت‌بار به وضع خطرناکی بروز و ظهور نمود و ملت و مملکت را تا لب پرتگاه نیستی و زوال کشانید است راه برای بازگشت جاسوسان و عمال انگلیس همان‌هایی که در مدت بیش از یک قرن ملت ما را به خاک سیاه نشانده و بدون قید و شرط باز شده و مداخله شرکای آمریکایی آنان نیز در تمام شئون اقتصادی - سیاسی و نظامی ما مرتباً گسترش می‌یابد. شاید زاهدی مزدور و اربابان خارجی او تصور کنند که می‌شود این چنین بی‌پروا ملت و مملکتی را فدا کرد و با باز کردن رگبار گلوله به روی هر ذی‌رویی که صدایش درآید کار تمام است ولی به زودی از این اشتباه بیرون خواهند آمد. ملت شجاع و غیرتمند ایران همانطوری که بارها نشان داده است می‌تواند به موقع از استقلال و آزادی خود دفاع نموده و بی‌مضایقه جان فدا کند. نه حبس و زجر و تبعید علاقمندان به وطن و نه کشتار دسته‌جمعی دانشجویان هیچیک ملت شریف و ارجمند ما را از راه خود باز نخواهد داشت. ما به دنیا اعلام می‌کنیم در شرایط موجود که نفس‌ها را به زور سر نیزه و رگبار گلوله در سینه‌ها حبس کرده‌اند و حتی امکان کوچکترین اظهار عقیده شفاهی درباره امور مملکتی نیست تجدید رابطه با انگلیس و هر نوع قرارداد مربوط به نفت و غیره و هر نوع معاهده اقتصادی - سیاسی و نظامی با هر کشوری بسته شود از نظر ملت ایران مردود و فاقد اعتبار و اثر قانونی است و هر مذاکره‌ای که نیکسون معاون رییس جمهور آمریکا در موضوعات اقتصادی و نظامی با رییس دولت دست‌نشانده خود بکند کان لم یکن است. ملت ایران برای واژگون ساختن این حکومت غاصب خائن و نوکر بیگانه پیکار خواهد کرد و تمام این تعهدات و قراردادهای اسارت‌آور و استقلال‌شکنانه را به دور خواهد ریخت و ما بخصوص به روان پاک دانشجویان شهیدی که نهال آزادی و استقلال ایران را با خون خود آبیاری کردند سوگند یاد می‌کنیم تا آخرین نفس راه آن‌ها را ادامه دهیم و برای واژگون ساختن این اوضاع ننگ‌آور موحش و استقرار مجدد حکومت ملی مصدق بجنگیم.

سلام ما به دکتر مصدق رهبر عزیز و ارجمند ملت ایران.

درود به روان پاک شهیدان دانشگاه، شریعت‌رضوی - قندچی و بزرگ‌نیا.

افتخار بر دانشجویان شرافتمند دانشگاه این ارزنده‌ترین سربازان نهضت مقاومت ملی.

مرگ بر سران خائن ارتش که این چنین فرزندان ما را به مسلسل می‌بندند.

سرنگون باد حکومت خائن زاهدی».

خط اصلی مبارزات نهضت آزادی علیه استبداد و علیه استعمار بوده و بعد از پیروزی انقلاب، علیه

استثمار می‌باشد. این تهمت‌ها به نهضت آزادی نمی‌چسبند!

نهضت آزادی ایران و سرمایه‌داری

س - کمونیست‌ها و همچنین برخی از گروه‌های سیاسی دیگر نهضت آزادی را متهم می‌کنند که طرفدار سرمایه‌داری و مالکیت‌های بزرگ و کارخانجات بزرگ است!

ج - در کدام یک از موضع‌گیری نهضت آزادی چنین امری دیده شده است؟ کدام سرمایه‌دار بزرگ یا کارخانه‌دار بزرگ یا مالک و فئودال بزرگ از نهضت حمایت کرده است؟ کدام جانب‌داری را عملاً یا حرفاً نهضت آزادی ایران از این طبقات نموده است؟ به صرف اتهام و برجسب که نمی‌شود! مردم برای این که بدانند سرمایه‌داری بزرگ وابسته اکنون با چه جناحی زد و بند کرده است به روابط آن‌ها توجه کنند! ببینند وارد کنندگان اصلی و عمده و دست اول کالاهای اساسی از قبیل آهن، کاغذ و پارچه در دست چه کسانی است و این اشخاص به کدام جریان سیاسی حاکم مربوط هستند! و حزب توده از کدام جریان سیاسی حاکم حمایت می‌کند!

یکی از نمایندگان مجلس (آقای مهندس سبحانی) در سخنان خود در مجلس گوشه‌ای از این روابط را نشان داد که چگونه بعد از پیروزی انقلاب قریب به ۱۲۰۰ میلیارد تومان سود برده‌اند! و مالیاتی به دولت نداده‌اند. آن‌ها که علاقمند به این قبیل مسایل هستند می‌توانند همین سرخ را بگیرند و مطالب را تعقیب کنند تا معلوم شود که چه کسانی در این مملکت چه کارها نمی‌کنند! تا سیه‌روی شود هر که در او غش باشد.

خط مشی نهضت آزادی ایران اجرای تمام و کمال و جامع اصول قانون اساسی ایران است. نهضت آزادی ایران مخصوصاً در اجرای اصول ۴۳ تا ۵۵ در فصل چهارم قانون اساسی تکیه فراوان دارد. اجرای همه جانبه و فوری اصل ۴۴ می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مشکلات اقتصادی کنونی باشد. دولت و حزب حاکم به جای پراکنده‌کاری و مبهم‌گویی بهتر است که طرح‌های عملی برای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ارایه دهند. اصل ۴۴ قانون اساسی تکلیف سه نوع مالکیت‌های دولتی - تعاونی و شخصی را معین کرده است.

س - رابطه نهضت آزادی با امام و روحانیت چگونه است؟ شایع کرده‌اند که نهضت آزادی در مقابل امام قرار گرفته است و با روحانیت میانه خوبی ندارد.

ج - مؤسسين و سران و فعالين نهضت آزادی ایران از پیشگامان خط وحدت میان حوزه و دانشگاه و یا روحانیون و روشنفکران بوده‌اند. اگر برخی از مسلمان‌ها و یا گروه‌های اسلامی بعد از پیروزی انقلاب اهمیت وحدت این دو جناح را درک کرده‌اند، نهضتی‌ها از حدود ۳۵ یا ۴۰ سال پیش بر اساس مبانی فکری و عقیدتی و ضرورت‌های جامعه اهمیت همکاری و وحدت این دو جناح را درک کرده‌اند و سالیان دراز در این جهت کوشیده‌اند. همان طور که می‌دانید یکی از مؤسسين نهضت آزادی مرحوم طالقانی است. علما و روحانیون دیگری هم بوده و هستند که از هم‌زمان و همگامان و مؤسسين و سران و فعالين نهضت می‌باشند. نظیر آیت‌الله حاج آقا رضا زنجانی در سال‌های سیاه خفقان و اختناق بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و مرحوم مطهری در سال‌های ۳۴ به بعد.

تماس و همگامی اعضای نهضت آزادی با امام امری نیست که از روزهای بعد از پیروزی انقلاب آغاز شده باشد بلکه از سال‌های دراز گذشته شروع شده است.

از همان بدو آغاز حرکت روحانیت به رهبری امام، در سال ۱۳۴۰، نهضت آزادی بدون کمترین

دغدغه‌ای، بر حسب وظیفه اسلامی و اعتقاداتش، از این حرکت پشتیبانی قاطع نموده است. اسناد و مدارک نهضت آزادی، در داخل ایران و یا در تبعید استمرار این خط کلی و استراتژیک را نشان می‌دهد. به عنوان نمونه به بیانیه نهضت در آبان - آذر ۴۱ مراجعه کنید که با قاطعیت از حرکت علما پشتیبانی کرده است. همین بیانیه باعث شد که نشریات وابسته به رژیم شاه (از جمله مجله خواندنی‌ها) حملات شدید و سختی را به نهضت و به مهندس بازرگان نمودند. در بیانیه‌های نهضت به مناسبت حمله به مدرسه فیضیه، در بیانیه نهضت مورخه ۴۲/۳/۱۹ یعنی سه روز بعد از کشتار خونین ۱۵ خرداد تحت عنوان «دیکتاتور خون می‌ریزد» و نظایر آن حمایت‌های بی دریغ از حرکت روحانیت به رهبری امام مشهود است. در بیانیه کمیته دانشجویان نهضت آزادی در ۴۲/۵/۲۶ چنین می‌خوانیم:

«ملت شرافتمند ایران، مدت دو ماه مرجع عالیقدر شیعیان حضرت آیت‌الله خمینی در زندان عشرت‌آباد به سر می‌بردند فعلاً نیز که ایشان را از عشرت‌آباد به خانه خصوصی تحت مراقبت سازمان امنیت منتقل کرده‌اند، از ابتدایی‌ترین حقوق محروم می‌باشند ...»

در اعلامیه نهضت مورخه ۴۲/۴/۲۲ به مناسبت اربعین قیام ۱۵ خرداد می‌خوانیم:

«امسال اربعین حسینی مصادف با روزهایی است که ملت مسلمان ایران به علت چهلمین روز قتل عام وحشیانه هزاران نفر از خواهران و برادران خود داغدار می‌باشد. هزاران نفر از مردم بی‌گناه تهران و شهرستان‌ها در روز ۱۵ خرداد به دست دژخیمان حکومت سیاه دیکتاتوری در زیر رگبار گلوله‌هایی که با پول این ملت فقیر تهیه شده است شربت شهادت نوشیدند و حکومت جنایتکار و خونخوار به خیال خود بر اوضاع مسلط گردید ... شاه در یاوه گویی‌های خود شهیدان عزیز را غارتگر و مرتجع معرفی نمود ...»

سپس در بیانیه آمده است که:

«آسوده بخوابید ای شهیدان ملت ایران، ای آزادگان و ای مسلمانان دلسوخته‌ای که برای احیای آزادی و به پیروی از پیشوایان عالیقدر دینی و ملی از هیچ قدرتی هراس و وحشت به دل راه ندادید. آسوده بخوابید و مطمئن باشید ملت ایران نخواهد گذارد خون شما فرزندان اسلام پایمال گردد و راه شما، یعنی راه مدرس‌ها و خمینی را دنبال خواهد نمود.»

این خط همچنان ادامه داشته است. در آخرین بیانیه‌های نهضت آزادی قبل از فرار شاه در ۱۴ دیماه ۱۳۵۷، چنین نوشت:

۱- اکثریت قاطع ملت ایران شاه و رژیم او را نمی‌خواهد و خواستار حکومت اسلامی است.

۲- اکثریت قاطع ملت ایران آیت‌الله العظمی خمینی را به رهبری خود برگزیده است.

از طرف دیگر آیت‌الله العظمی خمینی مکرر تصریح کرده‌اند که شاه باید برود و دودمان پهلوی برود، نظام سلطنتی نیز برود.»

در اعلامیه‌های مکرر نهضت در این مرحله نیز همین خط استراتژیک کلی دیده می‌شود و این وقتی است که در آن ایام سیاه خفقان و استبداد شاه، جز سازمان‌های مسلح زیرزمینی و تنی چند انگشت شمار هیچکس جرأت نفس کشیدن نداشت، حتی داشتن یک جلد رساله امام جرم بود. برای اطلاع بیشتر از نظر نهضت آزادی نسبت به روحانیت مترقی و متعهد به رهبری امام به اسناد نهضت آزادی ایران در خارج از کشور، نشریه پیام مجاهد، و همچنین روابط نزدیک و خاص رهبران نهضت در خارج از کشور با امام رجوع و توجه شود.

همین جا باید گفت که این ارتباطات یک طرفه نبوده است بلکه متقابلاً نهضت از حمایت و پشتیبانی امام و بخشی از روحانیت مبارز برخوردار بوده است.

زمانی که امام از زندان آزاد شدند، اولین دیدارکنندگان ایشان عده‌ای از اعضای نهضت آزادی ایران بودند. و این وقتی بود که محاکمه سران و فعالین نهضت آزادی در دادگاه نظامی شاه در عشرت آباد تمام شده بود (سال ۴۲) و دادگاه نظامی شاه احکام شدیدی علیه نهضتی‌ها صادر کرده بود. امام خطاب به اعضای نهضت آزادی مطالبی به شرح زیر ایراد نمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

و سيعلم الذين ظلموا اى منقلب ينقلبون

« من خوف داشتم که اگر در موضوع بیدادگری نسبت به حجه الاسلام آقای طالقانی و جناب آقای مهندس بازرگان و سایر دوستان کلمه‌ای بنویسم موجب تشدید امر آنها شود و ده سال زندان به پانزده سال تبدیل گردد این که حکم جائزانه دادگاه تجدیدنظر صادر شد ناچارم از اظهار تأسف از اوضاع ایران عموماً و از اوضاع دادگاه خصوصاً.

به قدری خلاف قوانین و مقررات در دادگاه‌ها جریان دارد که موجب تأسف و تعجب است: محاکمات سری، حبس‌های قبل از ثبوت جرم، بی‌اعتنایی به دفاع مظلومین.

اینجانب و اشخاص با وجدان و دیانت متأسفیم از مظلومیت این اشخاص که به جرم دفاع از اسلام و قانون اساسی محکوم به حبس‌های طویل‌المدت شده و باید با حال پیری و نفاقت در زندان برای اطفاء شهوات دیگران به سر برند.»

نویسنده کتاب نهضت خمینی پس از بیانات فوق‌الذکر امام روابط میان این دو بخش عمده و اصلی حرکت اسلامی را این چنین گزارش داده است:

«این پشتیبانی قائد بزرگ از «نهضت آزادی ایران» گام مؤثر، مثبت و ارزنده دیگری بود که در راه اتحاد میان نیروهای اسلامی و ضد استعماری برداشته می‌شد و در نزدیک‌تر کردن نیروهای دانشگاهی و حوزه‌های علمیه نقش سازنده و مؤثری ایفا می‌کرد و توطئه‌های مغرضانه و حسودانه و کوتاه‌نظرانه بعضی از احزاب که به اصطلاح خود را تنها مدافع امام خمینی و راه ایشان معرفی می‌کردند و می‌کوشیدند که میان ایشان و هر گروه، حزب و جمعیت دیگری تفاهم ایجاد نگردد به کلی خنثی ساخت. آنان دریافتند که امام خمینی اندیشمندتر، ژرف‌نگرتر و دوراندیش‌تر از آن است که آنها بتوانند به عنوان چماقی از ایشان استفاده کنند و خورده حساب‌هایی را که سالیان دراز بیست با بعضی از احزاب دارند از طریق ایشان تصفیه نمایند.

حوزه علمیه قم که با سران نهضت آزادی ایران و شخص آقای طالقانی رابطه نزدیک و مرتبی داشت به دنبال صدور این اعلامیه پشتیبانی، روابط خود را عمیق‌تر و استوارتر ساخت و همکاری نزدیک‌تر و متشکل‌تری را آغاز کرد. بسیاری از اعلامیه‌ها و مدافعات سران نهضت آزادی به وسیله مجاهدین حوزه قم چاپ و پخش می‌گردید. به دنبال مرگ مادر مهندس بازرگان تسلیت نامه‌ای به عنوان ایشان از طرف عده‌ای از روحانیون مجاهد قم تنظیم گردید و همراه با ده‌ها امضا به روزنامه‌ها داده شد ولی هیچ روزنامه‌ای به درج آن مبادرت نکرد و با کمال معذرت خواهی اظهار داشتند که از طرف سازمان امنیت درج هر گونه تسلیت‌نامه‌ای جهت آقای مهندس بازرگان اکیداً ممنوع اعلام گردیده است. روحانیون مجاهد تسلیت‌نامه مزبور را به صورت اعلامیه‌ای چاپ و پخش کردند و در زیر تسلیت‌نامه جلوگیری ساواک را از درج آگهی

تسلیمت جهت آقای مهندس بازرگان در جراید، شدیداً محکوم کردند. متن آن تسلیمت نامه را در زیر می‌خوانید:»

متن تسلیمت نامه عده‌ای از فضلا و دانشجویان دینی حوزه علمیه قم

به آقای مهندس بازرگان

استاد محترم و مجاهد دانشگاه آقای مهندس بازرگان

با نهایت تأثر مصیبت وارده را تسلیمت گفته خود را در غم‌های شما شریک می‌دانیم و مزید توفیقات شما را در حمایت از اسلام و استقلال ایران از اعلیحضرت ولی عصر مسئلت می‌نماییم.

احمد پایانی - محمد شبستری - سید هادی خسروشاهی - حسین حقانی - سید ابوالفضل موسوی - سید محمد صادق زیارتی - علی اسلامی - احمد کافی - محمد خندق آبادی - احمد آذری قمی - رضا استادی - علی کاظمی - رضا شریفی گرگانی - سید جعفر شبیری - صادق منتظری زنجانی - علیرضا گل‌سرخ - علی قدوسی - علی المشکینی - حاج سید رضا بنی طباطبائی - محمد واصف - مهدی کربوبی - حسن زرنندی - سید ابراهیم میرغفاری - هاشمی - حسن نوری - سید علی محقق - احمد خدایی - سید علی اکبر امینی - ...

ارتباط برادران نهضتی در خارج از کشور در طی سالیان دراز تبعید امام در نجف همچنان ادامه داشته است. در سفر امام به پاریس همین برادران همراه امام و مشاور امام بوده‌اند. همراه امام به تهران برگشتند. امام بارها اعتماد خود را به آنها ابراز داشته و از زحمات آنها قدردانی نموده است و اسناد و مدارک آنها تماماً موجود هستند که در یک فرصت مناسب دیگری منتشر خواهند شد.

در خط مشی مصوبه نهضت آزادی ایران در قسمت مربوط به «حفظ و تداوم انقلاب اسلامی و جلوگیری از انحراف و انهدام آن» در بندهای ۲ و ۳ در رابطه با همین موضوع آمده است که:

«قبول رهبری امام امت و مبارزه با هر عملی که موجبات تضعیف رهبری را فراهم سازد.»

«همکاری با روحانیت آگاه و متعهد و اصیلی که به دور از انحصارطلبی و گروه‌گرایی در خط حفظ وحدت حرکت نمایند.»

بنابراین ملاحظه می‌شود که سخن دشمنان انقلاب اسلامی ایران بی‌اساس است. مخالفت ما با برخی از اعمال انحصارگرایانه و بی‌رویه برخی از روحانیون را نبایستی به حساب تمامی روحانیت گذاشت. متأسفانه عده‌ای خود را متولیان این انقلاب تصور کرده‌اند و هر گونه ایراد و اعتراض و انتقاد به خودشان را مخالفت با کل انقلاب و «روحانیت» قلمداد می‌کنند و یا با خرج کردن امام جهت مقاصد خود، مقام رهبری را تضعیف می‌نمایند.

نهضت آزادی و لیبرالیسم

س - برخی از احزاب و گروه‌ها نظیر حزب جمهوری، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، حزب توده، جنبش مسلمانان مبارز و چریک‌های فدایی خلق و ... در نوشتجات خودشان نهضت آزادی را متهم می‌کنند که «لیبرال» و «بورژوا لیبرال» است یا مدافع سرمایه‌داری است؟! حتی آقای بهشتی هم در یکی از سخنرانی‌های خودشان به این امر اشاره کردند. نظر نهضت در این باره چیست؟

ج - نهضت آزادی ایران یکی از سازمان‌های قدیمی و ریشه‌دار اسلامی است. اگر چه نهضت به عنوان یک سازمان و یک تشکل سیاسی در اردیبهشت ۴۰ اعلام موجودیت کرد اما به عنوان یک جریان سیاسی

در حرکت اسلامی پدیده‌ای است که در همان سال‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ بوجود آمده است. نهضت آزادی ایران هم به لحاظ یک «جریان سیاسی» و هم به لحاظ یک «تشکل سیاسی» پدیده ناشناخته‌ای نیست. این برجسب‌های ناچسب به نهضت آزادی نمی‌چسبند. دشمنان انقلاب اسلامی بهتر است برای کوبیدن نهضت بروند فکر دیگری نکنند.

وقتی شما از لیبرالیسم صحبت می‌کنید اول باید مشخص کرد که آیا شما با دید یک «مارکسیست» و از دریچه جامعه‌شناسی «مارکسیستی» از لیبرالیسم سخن می‌گویید یا آن که از دیدگاه جامعه‌شناسی غربی. حتماً می‌دانید که لیبرالیسم دارای معنای گوناگونی است و هر کس از دریچه تفکرات خود آن را بیان می‌کند. و اکنون لیبرالیسم در کشور ما، علاوه بر تمامی معنای کلاسیک آن چه از دید مارکسیست‌ها و چه سایر غربی‌ها، شده است یک چماق. لیبرالیسم اکنون چماقی است برای سرکوب مخالفین.

نهضت آزادی ایران یک سازمان سیاسی بر اساس جهان‌بینی توحیدی است. اسلام معیار اصلی و نهایی ما در برخورد با پدیده‌هاست. در تحلیل جریان‌های سیاسی موجود در جامعه، ما مجبور نیستیم که از جامعه‌شناسی مارکسیستی یا غربی مدد بگیریم وقتی آقای بهشتی لیبرالیسم را معنا می‌کنند، در واقع ایشان لیبرالیسم را از دید جامعه‌شناسی غربی بیان می‌کنند. کاری نداریم به این که آیا آنچه ایشان گفتند درباره تمام لیبرال‌های غربی بیان می‌کنند، درست است و صدق می‌کند یا خیر؟ اما به هر حال دید ایشان، یک دید و برداشت غربی است. مسلماً نهضت آزادی ایران با این تعریف هرگز لیبرال نبوده است و نیست. آقای بهشتی در تعریف لیبرالیسم می‌گویند آن‌ها که به وحی اعتقاد ندارند، به جدایی دین از سیاست معتقدند، به دموکراسی غربی اعتقاد دارند. این تعاریف با حزب توده بیشتر تطبیق می‌کند تا با هر گروه دیگری، تمامی کسانی که نهضت را می‌شناسند، حتی خود ایشان، می‌دانند که اندیشه نهضت آزادی یک اندیشه اسلامی است، آقای هاشمی رفسنجانی، که از اعضای مرکزی حزب جمهوری و همکار نزدیک آقای بهشتی هستند درباره نهضت آزادی چنین اظهار نظر کرده‌اند (جمهوری اسلامی - ۲۴ اسفند ۵۹):

«جالب این است که کسانی که در گذشته تیپ رفقای نهضت آزادی ما و تیپ دانشگاهی‌ها که ما در گذشته با هم هم‌رزم بودیم یکی از کارهای بزرگشان این بود که تلاش می‌کردند ثابت کنند روحانیت و دیانت با سیاست از هم جدا نیست و فرهنگ و دانشگاه و مدرسه علمیه و مسجد و معلم، حرم، صحن و میدان ورزش، میدان جنگ، همه این‌ها به هم آمیخته است. این یکی از خدمات این جریان در دوران رژیم قبل می‌کردند و رژیم شاه سخت به این مسأله چسبیده بود که نه سیاست از دیانت جداست.»

خوب ملاحظه می‌کنید که نهضت آزادی یک رویه و خط مشی اساسی اسلامی داشته است تعریف آقایان در مورد لیبرالیسم ربطی به نهضت آزادی ندارد.

وقتی مارکسیست‌ها از لیبرالیسم صحبت می‌کنند صحبت از جریان‌های است در درون حرکت مارکسیستی که به «دیکتاتوری پرولتاریا» اعتقاد ندارد و خواستار حکومت بر اساس «آزادی‌های دموکراتیک طبق موازین غربی» می‌باشد. واضح است که نهضت آزادی جریانی در درون حرکت مارکسیستی نیست که شامل این تعاریف بشود.

اما باید دانست که لیبرالیسم امروز یک چماق شده است چماقی برای کوبیدن حریفان سیاسی و جهت کسب و تثبیت قدرت سیاسی. آن‌ها که این چماق را بر سر نهضت آزادی می‌کوبند خود بهتر از هر کس می‌دانند که چرا این کار را می‌کنند و چه انگیزه‌هایی دارند. آن‌ها خود بهتر از هر کس می‌دانند که این

برچسب‌ها به نهضت آزادی نمی‌چسبند. آن‌ها باید بدانند که مردم ما فریب این اباطیل را نمی‌خورند. ممکن است عده‌ای را برای مدتی فریفت اما همه را برای همیشه نمی‌توان گول زد. مردم روزبروز بیشتر می‌فهمند که دعوا بر سر لحاف ملانصرالدین است وگرنه اگر قرار باشد که بر اساس جامعه‌شناسی غربی یا مارکسیستی لیبرال‌ها را پیدا کنیم، بسیاری از گویندگان این شعار و جوسازان و حزب توده ایران جزو بزرگترین لیبرال‌ها خواهند بود.

نهضت آزادی و مبارزه با امپریالیسم

س - نظر نهضت آزادی ایران درباره استعمار و امپریالیسم و مبارزه با آن، خصوصاً با امپریالیسم آمریکا

چیست؟

ج - تداوم انقلاب به معنای قطع تمامی وابستگی‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به ابرقدرت‌ها می‌باشد. نهضت آزادی ایران معتقد است که مبارزات ملت ما در صد سال گذشته سه محور اصلی و عمده داشته است. این سه محور عبارتند از: در ابتدای مبارزات ملت ایران در زمان شورش توتون و تنباکو و سپس انقلاب مشروطیت یکی از شعارهای مردم «حریت» بود و در انقلاب اسلامی اخیر «آزادی» یکی از شعارهای سه‌گانه مردم بود. دوم محور مبارزات ضد استعمار، علیه سلطه اجانب و استیلای خارجی، امپریالیسم، و همه اشکال و انواع آن که جنبه ایجابی‌اش همان شعار «استقلال» است. سوم محور مبارزات ضد استعماری که جنبه ایجابی آن استقرار حکومت قسط و عدل می‌باشد و شعار «جمهوری اسلامی»، بیانگر این نیاز و خواست مبارزاتی مردم ما بوده است. این سه محور را نمی‌توان و نباید از هم جدا ساخت و مجزا تصور نمود. مبارزه ضد استبدادی هرگز نمی‌تواند جدا از مبارزه ضد استعماری باشد. یا بالعکس. مبارزه با استبداد پهلوی، یعنی مبارزه با شاه نمی‌توانست جدای از مبارزه با سلطه اجانب و بخصوص آمریکا باشد. چه مردم در شعارهای خود این معنا را عنوان می‌کردند یا نه، شعار مرگ بر شاه همان معنا را بیان می‌کرد. کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ شاه فراری را به ایران برگرداند و بر ما مسلط ساخت و بدین ترتیب شاه و دربار پایگاه عمده امپریالیسم در ایران بوده است. گاهی اوقات بنا به مقتضیات زمان، مبارزه ضد استعماری محور اصلی حرکت مردم قرار می‌گیرد. نظیر شورش تنباکو یا نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت. اما چون استعمار خارجی از طریق استبداد داخلی وارد شده است و عمل کرده است، استمرار مبارزه لاجرم به مبارزه علیه استبداد کشیده می‌شود و دیدیم که شد و با شکست و یا عقب‌نشینی استعمار، مبارزه پایان پذیرفت بلکه در مرحله تداوم حرکت، مبارزات ضد استبدادی (علیه ناصرالدین شاه در انقلاب مشروطه و محمدرضا در جنبش ملی شدن نفت) محور اصلی شدند. چرا که مردم در جریان مبارزات درک کردند و با تجربه آموختند که اگر بخواهند با استیلای خارجی بجنگند و استقلال مملکت را حفظ کنند باید پایگاه‌های امپریالیسم، یعنی استبداد داخلی را از بین ببرند. استقلال بدون آزادی و آزادی بدون استقلال ممکن نیست. این مطلب مضمون اصل نهم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

بنابراین مشخص است که نهضت آزادی ایران مبارزه علیه امپریالیسم را جدای از کل مبارزات ملت

ایران نمی‌داند و نهضت خود را از پیشگامان چنین مبارزاتی می‌داند.

شما کافی است به اسناد نهضت مقاومت ملی در سال‌های ۳۲ تا ۴۰ مراجعه کنید. چه کسانی جز نهضت

مقاومت ملی علیه کودتاگران ۲۸ مرداد مبارزه می‌کرده‌اند. مگر کودتای ۲۸ مرداد ساخته و پرداخته امپریالیسم نبود؟

تظاهرات مردمی که به ابتکار نهضت بر پا می‌شد مطالب روزنامه‌های راه مصدق و مکتب مصدق، بیانیه‌های نهضت آزادی در سال‌های ۴۰ تا ۴۳ و بعداً در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب نشریات نهضت آزادی در تبعید و خارج از کشور نظیر ماهنامه پیام مجاهد و سایر نشریات و برنامه‌ها تماماً بیانگر خط اصلی و واقعی نهضت آزادی و موضع‌گیری علیه امپریالیسم آمریکا و دستیارانش می‌باشد. اما نهضت آزادی ایران این مبارزه را تنها در شعار دادن نمی‌داند. این گونه تظاهرات برای بسیج اولیه مردم ضروری است. اما تنها با مشت‌های گره کرده در خیابان‌ها و مرگ بر آمریکا گفتن نمی‌توان به هدف قطع وابستگی از آمریکا برسیم. خصوصاً وقتی که سیگارهای آمریکایی را می‌کشند و اورکت آمریکا بر تن دارند و شعار مرگ بر آمریکا می‌دهند!! با تشنج آفرینی کارخانجات را تعطیل می‌کنند تولید را تقلیل می‌دهند و تازه مدعی مبارزه با آمریکا هم هستند!!

نهضت آزادی ایران معتقد است که استقلال همه جانبه، تنها در پایان بخشیدن به سلطه سیاسی ابرقدرت‌ها به دست نمی‌آید بلکه باید وابستگی‌های اسارت بار را در تمامی ابعادش، از جمله اقتصادی و فرهنگی قطع نمود. و قطع وابستگی‌های اقتصادی به امپریالیسم باید از طریق از بین بردن پایگاه‌های اقتصادی در داخل باشد. همان طور که در مبارزه با استبداد می‌باید تمام پایگاه‌ها را از بین برد. شاه تنها خودش نبود که بر ملت مسلط شده بوده شاه تجسم «نظام» حاکم بود «نظام حاکم» ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی داشته است. در ۲۲ بهمن ۵۷ سلطه سیاسی نظام طاغوتی از بین رفت اما روابط اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی هنوز به کلی از بین نرفته است. این روابط به هم خورده‌اند، اما از بین نرفته‌اند. در مورد استیلای خارجی هم این امر درست است. در ۲۲ بهمن ۵۷ سلطه سیاسی استیلای خارجی از بین رفت. اما سلطه اقتصادی و فرهنگی هنوز از بین نرفته است. بنابراین بخشی از حفظ و تداوم انقلاب در محور مبارزه با امپریالیسم به معنای ریشه‌کن ساختن تمامی وابستگی‌های اسارت بار اقتصادی به امپریالیسم می‌باشد.

اما این امر نمی‌تواند جدای از قطع وابستگی فرهنگی باشد. سلطه امپریالیسم فرهنگی، به مراتب عمیق‌تر و ریشه‌دارتر از سلطه اقتصادی است، کما این که سلطه اقتصادی خیلی ریشه‌دارتر از سلطه سیاسی است. به همین دلیل است که نابودی سلطه امپریالیسم و استکبار جهانی در بعد سیاسی سریع‌تر از همه ابعاد دیگر صورت گرفته است. در ۲۲ بهمن ۵۷ با سقوط نظام شاهنشاهی و سلطنت پهلوی به سلطه سیاسی ابرقدرت‌ها پایان داده شد. سلطه اقتصادی را می‌توان با برنامه‌ریزی و کار مداوم و ایجاد خودکفایی تا حدود بسیار زیادی در ظرف مدت کوتاهی از بین برد، اما سلطه فرهنگی چنان ریشه‌دار است که چه بسا سال‌ها و شاید نسل‌ها طول بکشد تا عوارض آن از بین برود.

نهضت آزادی ایران به مبارزه با امپریالیسم، اعم از شرقی و غربی‌اش اعتقاد دارد. اما بر اساس شعار نه شرقی نه غربی، نفی امپریالیسم غربی را به معنای پذیرش سلطه امپریالیسم شرق و روسیه و یا سازش و نرمش در برابر آن نمی‌داند. به عبارت دیگر در زمان شاه شعار آن رژیم ابتدا غربی - غربی و بعد نه شرقی نه شرقی بود. بعداً شد هم شرقی هم غربی. شعار انقلاب اسلامی ایران نه شرقی و نه غربی است.

اما بعضی‌ها سعی دارند آن را به شعار نه غربی نه غربی بلکه شرقی - شرقی و برخی آن را نه شرقی نه شرقی بلکه غربی - غربی تبدیل کنند. در حالی که باید با تمام قوا از اصالت این شعار و آرمان حراست کرده کوشید تا واقعاً نه شرقی نه غربی باقی بمانیم.

س - گفته می‌شود که در شرایط جنگ با امپریالیسم آمریکا، نباید با حمله به روس‌ها جهت مبارزه را منحرف کرد.

ج - خوب بله، در حال حاضر هدف اصلی مبارزه ضد امپریالیستی آمریکا و صهیونیست‌ها هستند. و باید تمامی نیروها را بدان سو جهت داد. اما این اشتباه است اگر تمرکز تمامی نیروها علیه آمریکا مترادف باشد با نرمی و انعطاف و سازش‌پذیری با سایر ابرقدرت‌ها از جمله روسیه. امام بارها به خطر این ابرقدرت‌ها، روسیه - انگلیس - آمریکا و ... اشاره کرده‌اند و این توجهات لازم است وگرنه به زودی از اسارت یک ابرقدرت - که اکنون دشمن بالفعل ماست بیرون آمده و گرفتار اسارت ابرقدرت دیگر - که دشمن بالقوه ماست - خواهیم شد.

س - چرا برخی از گروه‌ها خصوصاً توده‌ای‌ها به نهضت آزادی برچسب وابستگی به آمریکا را می‌زنند؟

ج - علت آن خیلی روشن است. یک مثل عامیانه مردم می‌گویند که: کافر همه را به کیش خود پندارد. آن‌ها که خود به ابرقدرت‌ها وابسته هستند و سالیان دراز در تئوری و در عمل این وابستگی را نشان داده و به ثبوت رسانیده‌اند و در اندیشه و فلسفه سیاسی آنان استقلال مفهوم و معنایی ندارد نمی‌توانند باور کنند که حرکت‌های سیاسی مستقل از ابرقدرت‌ها می‌توانند وجود داشته باشند. توده - نفتی‌ها (که این روزها به جای آن اصطلاح مارکسیست‌های آمریکایی هم به کار می‌رود) در زمان نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت به رهبری مرحوم دکتر مصدق از تز دو جهانی دفاع می‌کردند و می‌گفتند که جهان به دو بلوک شرق و غرب تقسیم شده است. مبارزه با بلوک غرب، از جمله انگلیس و آمریکا جز با حمایت و وابستگی به شرق یعنی روسیه امکان ندارد. لذا نهضت ملی شدن نفت را که در جهت قطع وابستگی‌های اسارت بار اقتصادی به استعمار فرتوت انگلیس بود و وابسته به روس‌ها هم نبود به آمریکایی‌ها منتسب می‌نمودند. جالب این است که جناح نفتی‌ها (عناصر و ایادی وابسته به آمریکا و انگلیس) نیز همین تفکر را داشتند و لذا مصدق و ملی شدن نفت را وابسته به کمونیست‌ها معرفی می‌کردند. این هم سویی و هم جهتی در اندیشه، از آن جهت بود که هر دو جناح، هم توده‌ای‌ها و هم نفتی‌ها، ملحد و کافر بودند و به موجب فلسفه و جهان‌بینی (دین) کفر که بر اساس وابستگی است، حرکت اصیل مردمی و ملی ما را که ضد استعمار انگلیس و آمریکا و روسیه بود نفی می‌کردند. حالا هم ریشه این حرف‌ها همان تفکرات غیر توحیدی است و متأثر از اندیشه‌های غیر اسلامی است.

س - در اسناد دانشجویان پیرو خط امام شواهدی وجود دارد که نهضت آزادی قبل از پیروزی انقلاب با

سفارت آمریکا در تماس و گفتگو بوده است. همین امر یکی از دلایل اساسی این اتهامات علیه نهضت می‌باشد.

ج - این ارتباطات با اطلاع و تصویب شورای انقلاب بوده است. شورای انقلاب هم در تمامی مذاکرات بوده است و گزارشات این تماس‌ها را دریافت می‌کرده و تصمیم می‌گرفته است. این امر بارها توسط آقای مهندس بازرگان بیان شده است. اسناد سفارت نیز نشان می‌دهد که در این تماس‌ها آقایان دیگری نیز شرکت داشته‌اند. با هائیزر به تنهایی ملاقات‌ها داشته‌اند. در ملاقات با سولیوان بوده‌اند. اما این که این تماس‌ها دلیل وابستگی باشد، بچگانه و یا مغرضانه است. تماس و گفتگو با دشمن نه از نظر شرع منع شده

است و نه پیامبر گرامی و ائمه اطهار خلاف آن عمل کرده‌اند. در روابط بین‌المللی کنونی نیز این تماس‌ها میان طرفین جنگ و دعوا وجود دارد و امری قبول شده می‌باشد و هیچکس آن را دلیل بر سازش با دشمن نمی‌داند. در جنگ الجزایر، در ویتنام، در چین، در کوبا، این گونه تماس‌ها خصوصاً در مراحل نهایی مبارزه، آنجا که دشمن شکست خود را قطعی می‌بیند و می‌خواهد راهی برای فرار از بن‌بست بیابد صورت گرفته است.

به نظر ما این گونه جوسازی‌ها بر طبق موازین شرع نیست و به دور از تقوای اسلامی است. هر گاه چنانچه در اثر این تماس‌ها و گفتگوها، حقی از مردم سلب شده بود یا خیانتی رخ داده بود یا قراردادی خلاف مصلحت ملت و انقلاب و یا اسلام امضا شده بود و یا آن که چرتکه نیانداخته از کیسه ملت حاتم بخشی نموده بودند، خوب جای حرف و سؤال می‌بود و خیلی هم بود. اما تا بحال هیچکس نتوانسته است یک سند و یا نمونه‌ای ارایه بدهد که به دلیل آن تماس‌ها انحرافی و یا جرمی واقع شده است. بلکه برعکس آنچه گفته شده و انجام گرفته است به نفع انقلاب و به نفع مردم بوده است.

س - به موجب اطلاعات و اخبار در آن تماس‌ها و مذاکرات اشخاص دیگری هم نظیر آقایان بهشتی و موسوی اردبیلی بوده‌اند. آیا در اسناد لانه جاسوسی گزارشاتمی راجع به آن‌ها نیز پیدا کرده‌اند یا خیر؟

ج - تا بحال چیزی از جانب دانشجویان منتشر نشده است. آیا آن‌ها در میان اسناد جاسوس‌خانه گزارشاتمی درباره این اشخاص پیدا کرده‌اند یا خیر؟ معلوم نیست. اگر اسنادی موجود نبوده باشد که جای سؤال دارد و اگر بوده است و دانشجویان منتشر نکرده‌اند باز جای سؤال باقی است.

س - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی چندی قبل در یک بیانیه‌ای مدعی شد که نهضت آزادی با گروه‌های زیادی ائتلاف کرده است. در این بیانیه که در ۵۹/۳/۲۲ منتشر ساختند آمده است که:

«تحوالات آشکار و پنهان چند ماهه اخیر ما به روشنی مشخص کرد که از جبهه ملی، نهضت آزادی، مجاهدین خلق، دفتر هماهنگی انشعابیون نهضت آزادی، برخی منفردین یا روحانیون کج‌فهم و خصلت‌دار ائتلافی در برابر نیروهای خط امام پی‌ریزی شده است.»

آیا واقعاً چنین ائتلافی صورت گرفته است؟

ج - خیر، نهضت آزادی ایران با هیچ دسته و گروهی ائتلاف نکرده است. با برخی از گروه‌هایی که نام برده‌اند نهضت آزادی ائتلاف استراتژیک دارد. مجاهدین انقلاب اسلامی مرتب این مطلب را تبلیغ می‌کنند. در نامه سرگشاده به رییس جمهور مورخه ۵۹/۱۰/۹ نیز مطالبی از همین ردیف آورده‌اند. مثلاً در یک جا نوشته‌اند که:

«مدتی است مشاهده می‌شود یک اتحاد ناهمگون ولی همه جانبه از سوی نهضت آزادی، جبهه ملی، مجاهدین خلق، دفتر هماهنگی جما، مائوئیست‌های تازه مسلمان و برخی عناصر کج‌فهم و روحانیون خصلت‌دار برقرار شده است.»

توجه مختصری به «شواهد ائتلاف» که در نشریات سازمان مزبور آمده است نشان می‌دهد که این تصورات بر اساس چه منطبق پوچی است. مثلاً در جزوه مورخه ۵۹/۳/۲ می‌نویسد که:

«ما نمونه‌های عینی آن را در مورد بعضی از این گروه‌ها در همکاری‌ها و همراهی‌ها در جریان همه‌پرسی جمهوری اسلامی پیش از پیروزی انقلاب «نهضت و جبهه ملی» دیده‌ایم و به ویژه در انتخابات مجلس خبرگان، قانون اساسی و ریاست جمهوری.»

هر کس این کلمات را بخواند و کمی هم در مسایل سیاسی، قبل و بعد از پیروزی انقلاب باشد می‌داند که این حرف‌ها چقدر بی‌پایه است. اگر مسأله همکاری و همراهی «پیش از پیروزی انقلاب»، را ملاک قرار بدهند که باید گفت بله تمام اقشار ملت همه در یک صف قرار داشتند. مگر در آن روزهای سیاه خفقان و اوج‌گیری مبارزات ملت، که جواب اعتراضات را با گلوله می‌دادند وحدت و یا به قول آنها، ائتلاف، امری مقبول بود یا مطرود!! مگر در تظاهرات عظیم میلیونی تهران شعارها و آرم‌های این گروه‌ها برافراشته نبود! اگر گناهی بوده است چه کسی مرتکب نشده است؟ لابد این آقایان متأثر هستند که چرا در زمان شاه، پیش از پیروزی انقلاب، تمامی اقشار ملت از هر گروه و دسته‌ای با هم متحد بودند!

اما این که در جریان مجلس خبرگان و قانون اساسی و ریاست جمهوری نهضت آزادی با گروه‌های نامبرده در لیست ائتلاف کرد؟ حرف باطلی است. کافی است به لیست نامزدهای انتخابات مجلس خبرگان، ریاست جمهوری و مجلس شورا رجوع کنید. لیست انتخاباتی گروه همنام را با «ائتلاف بزرگ» مقایسه کنید. تا حقیقت بیشتر برای شما روشن شود.

در قسمت دیگری از بیانیه، مجاهدین انقلاب اسلامی شاهد ائتلاف را موضع‌گیری متحد و تقریباً همسان در برابر جاسوس خانه و افشاگری‌ها، همچنین انجمن‌های اسلامی دانشجویان بیان کرده است. چنین استدلالی تنها نشان دهنده ضعف منطق گوینده آن است. چطور ممکن است موضع‌گیری متحد و تقریباً همسان در برابر یک مسأله شاهدهی بر ائتلاف باشد؟ درست مثل این است که بگویند چون در مورد درگذشت بابی ساندز نهضت آزادی ایران موضع متحد و همسانی با رییس جمهور، نخست وزیر، کمیسیون امور خارجه مجلس، حزب جمهوری و ... داشت پس این‌ها همه با هم ائتلاف کرده‌اند! یا این که بر اساس این منطق روس‌ها و حزب توده به دولت ایران و مسلمان‌ها، ایراد بگیرند و ما را متهم کنند که چون جمهوری اسلامی در مورد اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش روسیه موضع متحد و همسویی با آمریکا دارد، پس ایران و آمریکا با هم متحد شده‌اند!! اگر این منطق را بپذیریم پس به طور قطع می‌توان گفت که حزب، جمهوری اسلامی و مجاهدین انقلاب اسلامی با حزب توده و چریک‌های فدایی اکثریت ائتلاف کرده‌اند!!

مجاهدین انقلاب اسلامی یکی دیگر از «شواهد ائتلاف» نهضت با سایر گروه‌ها را «شرکت نهضت آزادی و دفتر هماهنگی و جبهه ملی، و مجاهدین خلق و ... در میزگرد وحدت روزنامه اطلاعات و ارائه نقطه نظرهای نزدیک به هم» ... دانسته است.

خوب اگر قرار باشد شرکت یک گروه سیاسی در یک میزگردی دلیل بر ائتلاف باشد و جرم محسوب شود، لابد آقای داعی، سرپرست اطلاعات که این گروه‌ها را به میزگرد دعوت کرده بودند، از همه مجرم‌تر هستند! و هکذا، اگر سیمای جمهوری از تمامی احزاب و گروه‌ها دعوت برای بحث آزاد نموده است و آقای بهشتی دبیر کل حزب جمهوری با آقای کیانوری دبیر کل حزب توده در کنار هم در این بحث می‌نشینند حتماً با هم ائتلاف کرده‌اند! آیا این است استدلال و منطق!!

شاهد و سند دیگر مجاهدین انقلاب اسلامی در تخطئه نهضت آزادی «کوبیدن روحانیت مبارز» ذکر شده است و می‌نویسد که: «حمله مجاهدین خلق و نهضت آزادی و جبهه ملی به روحانیت خبر تازه‌ای نیست و هویت آن‌ها را می‌سازد!!»

ما نمی‌دانیم چرا مجاهدین انقلاب اسلامی سعی و کوشش و تلاش دارند که در صفوف مسلمان‌ها ایجاد نفاق و اختلاف بنمایند. چه نفعی برای آن‌ها یا برای مملکت در این کار مترتب است؟ و چه منظوری دارند؟ استدلال آن‌ها از این بیانات خیلی جالب است. آن‌ها می‌نویسند که این گروه‌ها اغلب مقالات مشابهی را درج و حتی از یکدیگر نقل می‌کنند و هیچکدام به هم حمله نمی‌کنند! و همگی به یک چیز و آن هم خط اصیل امام هجوم آورده‌اند و می‌آورند!!

براستی که چه استدلال سبکی. اگر قرار باشد این قبیل مطالب را دلیل بر ائتلاف میان دو یا چند گروه بدانیم کافی است به روزنامه‌های مردم، امت، جمهوری اسلامی، و روزنامه‌های خارجی رجوع شود و مقالات و خط اصلی آن‌ها را با هم مقایسه کنیم تا معلوم شود که چه کسانی با ضد انقلاب ائتلاف کرده‌اند! آیا یک بار هم کسی دیده و شنیده و خوانده است که کیانوری رهبر حزب توده به سران حزب جمهوری، یا به مجاهدین انقلاب اسلامی حمله کند؟ یا بر عکس هر چه نوشته‌اند تعریف و تمجید و چاپ مطالب آن‌ها در صفحات اول روزنامه بوده است؟ آیا خود مجاهدین انقلاب اسلامی تا بحال یک بار هم شده است که در مورد برنامه‌های تخریبی حزب توده موضع‌گیری قاطع و روشن بنمایند. رابطه نهضت با روحانیت روشن و قاطع بیان شده است. به سؤالات قبلی رجوع کنید.

س - در یکی از نشریات این گروه (مجاهدین انقلاب اسلامی) آمده بود که چرا نهضت آزادی علی‌رغم اختلاف دیرینه‌اش با آقای بنی‌صدر، حالا ائتلاف کرده است؟

ج - اولاً یک مسلمان واقعی وقتی ببیند که میان چند گروه از مسلمان‌ها رفع اختلاف شده است نباید ناراحت بشود بلکه باید اظهار خوشحالی کند. ثانیاً نهضت آزادی ایران علی‌رغم برخی از اختلافاتی که با اشخاص داشته است و هنوز هم دارد، از مقام ریاست جمهوری حمایت می‌کند. این امر درست صداقت و صراحت اسلامی نهضت را می‌رساند که به آراء عمومی ملت احترام می‌گذارد. وقتی اکثریت مردم به شخصی رأی دادند، نهضت هم رأی مردم را محترم دانسته و برای موفقیت رییس جمهور منتخب مردم نهایت همکاری را می‌نماید. ضمن آن که انتقادات و ایرادات اصولی خود را نیز مطرح می‌سازد. لابد از ما انتظار دارند که ما هم در بیان ایرادات خود به همان شیوه‌های تخریبی متوسل شویم. خیر، نهضت چنین رویه‌ای را ندارد. کما این که ما در برخورد با حملات ناجوانمردانه‌ای که به نهضت می‌شود هرگز از جاده حق و تقوای اسلامی خارج نشده و نمی‌شویم.

اما اگر مجاهدین انقلاب اسلامی به ما چنین ایرادی می‌گیرند، آیا بهتر نیست کمی هم به اطراف خود نگاه کنند؟ ببینند که امروز چه کسانی از دوستان و مؤلفین خودشان با دشمنان دیروزی ائتلاف کرده‌اند و هم سو و هم زبان شده‌اند! ما لزومی نمی‌بینیم که اسامی و موارد آن را در اینجا ذکر کنیم. کافی است به نشریه پیام شهید ارگان محمد منتظری مراجعه کنید و اظهارنظرهای نویسندگان آن نشریه را در مورد رهبران و فعالین حزب جمهوری و مجاهدین انقلاب اسلامی بخوانید و با موضع‌گیری‌ها و همکاری‌های دو جانبه امروزشان مقایسه کنید!!

س - نشریات و بیانیه‌های حزب توده، حزب جمهوری، مجاهدین انقلاب اسلامی، جنبش مسلمانان مبارز، چریک‌های فدایی خلق (اکثریت و اقلیت)، سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، عموماً به نهضت آزادی حمله می‌کنند و نهضت را متهم به سیاست «گام به گام» می‌نمایند و این را یکی از اتهامات اصلی علیه نهضت ذکر می‌کنند.

ج - در هیچ جا، در هیچ سندی نهضت آزادی ایران، برنامه و سیاستی را به عنوان «سیاست گام به گام»

مطرح ننموده است. آنچه از طرف نهضت مطرح شده است تاکتیک «سنگر به سنگر» علیه دشمن بوده است.

در بیانیه مورخه ۱۷ مهر ماه ۱۳۵۷ نهضت آزادی چنین آمده است:

«ما اگر مرتکب خطا و خیانت و دستخوش احساسات و آشفتگی نشویم، بردباری، پایداری و تدبیر داشته باشیم و نشان دهیم که لایق اداره خود و مملکت هستیم، استبداد مواضع باقیمانده را رها خواهد کرد و استیلا اجباراً به استقلال و حقوق حقه ما احترام خواهد گذاشت. از فرصت‌ها و امکاناتی که پیش می‌آید عاقلانه و هوشیارانه باید استفاده کرد تا از یک طرف به هدف اصلی نزدیک‌تر شویم و از طرف دیگر سیاست‌های خارجی را که خواه و ناخواه واقعیت و حضور دارند و ادار به حمایت و حفظ دستگاه استبداد ننماییم.

اگر با تاکتیک سنگر به سنگر پیش برویم و با تدبیر، تشکل، تحمل و توکل بیدار و سازنده باشیم خواهیم توانست به رحمت خداوند و آینده خود امیدوار گردیم.»

ملاحظه می‌فرمایید که صحبت از جنگ و ستیز علیه دشمن داخلی و خارجی است. در این جنگ آیا چگونه می‌توان بر دشمن فائق آمد. «دفعتاً واحده و ناگهانی» یعنی این که شب بخوابید و صبح برخیزید و ببینید که نه از شاه خبری است، نه از آمریکایی‌ها و نه از بختیار؟! و یک دولت انقلابی یک دست، تر و تمیز روی کار آمده است! و از بیکاری، وابستگی، بیماری‌ها، کم‌آبی، فقر و استثمار و ... خبری نیست! آیا روند پیروزی مردم بر دشمن این گونه خواهد بود؟ یا آن که بر عکس باید با دشمن جنگید و جنگ با دشمن طولانی است.

دشمن حاضر به ترک صحنه به آسانی و سادگی نخواهد شد. دشمن از تمامی مواضع خود با چنگ و دندان دفاع خواهد کرد و ملت در نبرد خود دشمن را قدم به قدم به عقب خواهد راند و سنگر به سنگر مواضع دشمن را تصرف و او را سرکوب می‌نماید تا بالاخره آخرین سنگرها را فتح نماید! روند رشد و توسعه انقلاب کدام یک است؟ مگر در انقلاب، جز این شد. مگر در جنگ با عراق جز این عمل می‌شود! مگر جز این بود که امام گام به گام، قدم به قدم، مرحله به مرحله، به تدریج سنگرهای دشمن را تصاحب کردند! پس منظور معترضین و مخالفین نهضت از این حملات چیست؟ مگر گروه حاکم، قدم به قدم و گام به گام تمامی مراکز قدرت را تصاحب نکرده است؟ اصولاً در جهان هستی، طبیعی‌ترین روند در حرکت خلاق پدیده‌های طبیعی یا اجتماعی، فردی و غیره حرکت تدریجی و گام به گام یا قدم به قدم می‌باشد.

در قرآن تحولات اجتماعی در دو مرحله ذکر شده است. مرحله اول دوره تخریب و تدمیر است و مرحله دوم دوران سازندگی و خلاقیت. در قرآن صحبت از مرحله اول انقلاب، یعنی مرحله تخریب و تدمیر شده است، روند حرکت و رویدادها بسیار سریع، تند و ناگهانی و به تعبیر امروزی - رادیکال است. یک صاعقه، یک سیل، یک زلزله، همه چیز را به سرعت از بین می‌برد. عذاب خدا ناگهانی و بدون انتظار و بدون مقدمات مشهود بروز می‌کند و نازل می‌شود. البته نباید تصور کرد که اگر ظاهر قضیه ناگهانی است، عوامل و اسباب این عذاب هم ناگهانی فراهم شده است. خیر، علل و اسباب این تحول ناگهانی، به طور تدریجی و در طی یک دوره طولانی فراهم شده است. اگر عذاب ناگهانی به خاطر گناهان و انحرافات مردم نازل شده است، این گناهان و اثرات ناشی از آن‌ها در یک روند طولانی صورت گرفته و جمع شده‌اند و در نهایت موجبات بروز و ظهور آن عذاب‌ها شده‌اند. حتی عذاب‌هایی نظیر زلزله، صاعقه، سیل نیز نتیجه یک سلسله فعل و انفعالات تدریجی نامشهود می‌باشند که در یک زمان معین به طور ناگهانی بر قومی نازل

می‌شدند. اما ظاهراً بروز و ظهور این حوادث ناگهانی و بدون مقدمه است. اما در مرحله دوم انقلاب، یعنی مرحله سازندگی و خلاقیت لاجرم تمامی تحولات تدریجی و مرحله به مرحله یا گام به گام است. در قرآن «خلقت» این جهان (زمین و آسمان‌ها) به تدریج و در ۶ دوره صورت گرفته است. همان خدایی که قادر متعال است و هر زمان که اراده کند می‌فرماید «باش» پس هست (کن فیکون) در مورد خلقت جهان سنت الهی را خلقت تدریجی معرفی می‌نماید. لذا جز این هم راهی نیست. راهی به خروج از مشیت الهی نیست. آن‌ها که به نهضت آزادی ایراد می‌گیرند، گویا این اصول اسلامی را باور ندارند. ما از این که حزب توده و مارکسیست‌ها به ما حمله کنند و ایراد بگیرند تعجب نمی‌کنیم اما گروه‌های اسلامی چرا؟ مگر آن که قصد و غرضشان جنگ و جدال سیاسی به منظور کسب قدرت سیاسی، به معنای غربی‌اش بوده باشد. واقعاً که ما را به چه گناهی متهم می‌کنند!!

س - می‌گویند که در سال ۱۳۵۴، نهضت آزادی (و جبهه ملی) مرتب به امام پیغام می‌دادند که «مارکسیسم دارد سرتاسر کشور را می‌گیرد و نمی‌شود هم با آمریکا و هم با شوروی جنگید اول باید با کمونیزم جنگید! می‌گفتند که امام در طی بیانیه‌هایش مسأله نفت و آمریکا را مطرح نکند».

ج - فقط یک مغز بیمار می‌تواند چنین اباطیلی را سر هم کند. در سال ۵۴ جبهه ملی نبوده است یا فعالیتی نداشته است. منظور از جبهه ملی در آن سال چیست؟ کدام جبهه ملی؟ اما درباره نهضت آزادی، خط مشی نهضت روشن است. در سؤالات قبلی آن را به تفصیل بیان کرده‌ایم. بیانیه‌ها و اسناد چه در ایران، چه در خارج از کشور همه موجود است. اسناد و مدارک نهضت، نشان می‌دهد نهضت آزادی در برابر استیلای خارجی موضع قاطع داشته است و عمل کرده است. اگر این حرف گوینده درست بود پس چرا امام به این افراد که به قول سؤال شده این توصیه‌ها را به امام می‌نموده‌اند، مرتب اظهار اعتماد نموده است؟ معلوم می‌شود که این سخن باطل است.

اما در مورد مسأله مارکسیسم در سال ۱۳۵۴، لابد می‌دانید که در شهریور ۱۳۵۴ تحول و خیانت بزرگی در درون سازمان مجاهدین خلق صورت گرفت. مخالفین، منحرفین، مرتدین به نام مارکسیسم، سازمان مجاهدین را از داخل و درون متلاشی کردند. این خیانت ضربه بزرگ روحی برای جوانان مسلمان ما بود و خواه ناخواه موجبات درگیری شدید سیاسی - ایدئولوژیک را بین مسلمانان و مارکسیست‌ها موجب گردید و خطر آن بود که مبارزه از مسیر اصلی خود خارج شود. نهضت آزادی ایران با تحلیل واقعی از این رویداد مانع از آن شد که دشمنان انقلاب در برنامه‌های خودشان موفق گردند و نتوانستند مبارزه را از مسیر اصلی خود منحرف سازند. درست برخلاف نظر گوینده، نهضت آزادی با این نظریه مخالفت می‌کرده است و بزرگ کردن خطر کمونیست‌ها را ناشی از دشمن دانسته است. در بیانیه ۵۷/۱۰/۷ نهضت آزادی آمده است که:

«مدافعین سلطنت می‌گویند اگر شاه برود کمونیست‌ها مسلط و اوضاع بد اندر بد خواهد شد. سران ارتش بی‌رحمانه‌تر از حالا همه جا را به آتش و خون می‌کشند. دولت‌های بیگانه کودتا راه می‌اندازند و مملکت از شمال و جنوب تجزیه می‌شود. از هر گوشه پرچمی بلند خواهد شد. مضافاً به این که مملکت در ورشکستگی و قحطی و مرگ است.

این افراد در نظر نمی‌گیرند که همه این خطرها و احتمال‌ها را دستگاه شاهی به وجود آورده است.»

خوب ملاحظه می‌فرمایید که این برجسب به نهضت آزادی نمی‌چسبد.

س - در پاسخ سؤالات قبلی گفتید که نهضت آزادی ایران طرفدار سلطنت و رژیم مشروطه سلطنتی نبوده است. اما بیانیه نهضت آزادی در گذشته و قبل از انقلاب بارها از «قانون اساسی» و اجرای آن و با حمایت از قانون اساسی که یک مشروطه سلطنتی است، مطالبی عنوان شده است. آیا این دلیل بر قبول رژیم سلطنتی و یا حداقل مشروطه سلطنتی نیست؟

ج - در بیانیه‌ها و اظهارات نه تنها نهضت آزادی ایران بلکه تمامی رهبران و فعالین انقلاب اسلامی در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب، روی اجرای قانون اساسی تکیه می‌شده است. اگر بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها مربوط به احزاب و دستجات و علما و مراجع بررسی شوند و موارد عدیده‌ای را که متوسل به قانون اساسی شده‌اند و بر اجرای قانون اساسی تأکید و تکیه داشته‌اند و آن را خواسته‌اند استخراج کرده و نشان بدهیم مثنوی هفتاد من می‌شود. اما این منطقی است که چون در بیانیه‌های قبل از انقلاب، در طی سالیان دراز مبارزه تأکید بر اجرای قانون اساسی از طرف مبارزین به منزله قبول نظام سلطنتی بوده است درست نمی‌باشد و یک سفسطه است. در بسیاری از بیانیه‌ها و سخنرانی‌های امام نیز به مسأله تأکید بر اجرای قانون اساسی اشارات صریح وجود دارد. به طوری که در چندین مورد دشمنان انقلاب اسلامی و دوستان نادان این موضوع را عنوان و سعی کرده‌اند که القاء شبهات نمایند. امام خمینی در یک سخنرانی خود این مسأله و فلسفه مستمسک قرار دادن قانون اساسی را بیان کردند.

در ۱۱ آذر ۴۱ امام در بیانات خودشان در قم در متنی تحت عنوان «ما و قانون اساسی» چنین گفتند:

«این نکته لازم است یادآوری شود که استناد و تکیه ما روی قانون اساسی از طریق «الزموم بما الزموا علیه انفسهم» می‌باشد نه این که قانون اساسی از نظر ما تمام باشد. اگر علماء از طریق قانون حرف می‌زنند برای این است که اصل دوم متمم قانون اساسی تصویب هر قانون خلاف قرآن را از قانونیت انداخته است والا مالنا والقانون؟ مائیم و قانون اسلام، علماء اسلامند و قرآن کریم، علماء اسلامند و احادیث ائمه اسلام(ع). هر چه موافق دین و آیین اسلام باشد ما با کمال تواضع به آن گردن می‌نهمیم و هر چه مخالف دین و قرآن باشد ولو قانون اساسی باشد ولو التزامات بین‌المللی باشد ما با آن مخالفیم ...»

هموطنان:

راهی طولانی را پیموده‌ایم. راهی پر از فراز و نشیب همراه با شکست‌ها و پیروزی‌ها. اما سفر به پایان نرسیده است. انقلاب تمام نشده است. راهی طولانی‌تر در پیش رو داریم. تغییر سرنوشت یک ملت، داستانی است طولانی، عمر نوح و صبر ایوب می‌خواهد.

در این رهگذر نهضت آزادی ایران بارها و بارها اعلام کرده است که انگیزه ما در مبارزات و فعالیت سیاسی انجام وظیفه انسانی و اسلامی است. ما خود را در پیشگاه خداوند مسؤول می‌دانیم و برای انجام آنچه خداوند بر عهده ما گذاشته است حرکت کرده‌ایم.

آنچه کرده‌ایم و می‌کنیم به خاطر رضای خدا و به خاطر منافع و مصالح ملت شریف ایران بوده است در این رهگذر هدف اساسی و نهایی ما کسب قدرت سیاسی گروهی نبوده است و نیست. نیت و هدف ما انجام تکلیف الهی است و از خدا می‌طلبیم که به ما نیرو و مدد برساند تا آنچه را که موجب رضای حق و مصالح ملت ماست انجام دهیم.

اردیبهشت ۱۳۶۰